

تبریک آغاز سال نو میلادی

۱۹۸۷، سال انعقاد نخستین قرارداد خلع سلاح به معنای واقعی آن بود، سالی که اگر روند آغاز شده ادامه یابد، تاریخ از آن به مثابه سال چرخش در اوضاع بین‌المللی یاد خواهد کرد. اما در آغاز سال جدید، جهان ما کماکان با مسائل عظیمی همچون جنگها، فقر و گرسنگی، بی‌کاری و عقب‌ماندگی مواجه است. مردم ایران، از همه عواقب شوم سلطه رژیم خونریز و جنگ‌طلب رنج می‌برند و در مبارزه با این رژیم، حمایت بشریت ترقی‌خواه را می‌طلبند. بکوشیم تا در سال ۱۹۸۸ نیز صدای حق‌طلبی مردم خود را باز هم رساتر به گوش جهانیان برسانیم.

سال ۱۹۸۸ فرامی‌رسد. میلیاردها تن درسراسر کره خاک، آغاز سال نو را جشن می‌گیرند. ما آغاز سال نو میلادی را به همه انسان‌های شریفی که سال نو میلادی را جشن می‌گیرند، به ویژه هموطنان خود تبریک می‌گوییم. به امید آنکه سال جدید، سال صلح، سال پیشرفت، سال غلبه بر فقر و بی‌عدالتی باشد.

در کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی، سال ۱۹۸۷ به آغازی تعیین‌کننده برای بسیاری از روندهای اصلاحات و دگرگونی، به مرحله‌ای مهم در ارتقای سوسیالیسم به سطح عالی‌تر تبدیل شد. سال



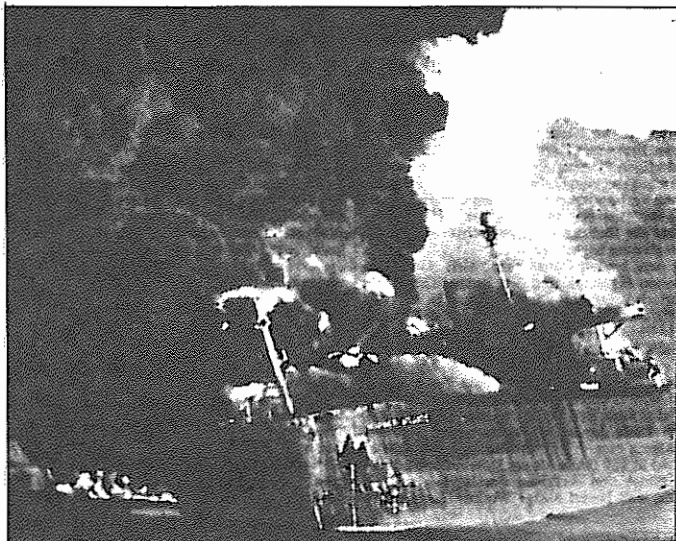
نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۶ برابر ۲۱ دسامبر ۱۹۸۷
په‌اء ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۸۸

از سرگیری جنگ "نفت‌کش‌ها"

* تنها طی دو روز ۷ نفت‌کش در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفتند

* جمهوری اسلامی سیاست افزایش تشنج در منطقه را تشدید کرده است



نفت‌کش "نورمان آتلانتیک" با پرچم سنگاپور پس از حمله قایق‌های جمهوری اسلامی

نفت‌کش بزرگ "سوسنگرد" متعلق به ایران در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ آذر توسط جنگنده‌های عراقی هدف قرار گرفت. جمهوری اسلامی در باره خسارات وارده به این کشتی بزرگ سکوت کرد، اما وزارت خارجه نروژ از آنجا که ناخدای کشتی شهروند این کشور بود، در این باره اطلاعاتی منتشر ساخت. طبق اینس اطلاعات، تنها ۵ تن از خدمه نفت‌کش نجات یافته‌اند و ۲۱ تن مفقودالاثرا شده‌اند. ناخدای نروژی، از کشتگان حادثه است. دومین حمله مهم در این دور از

طی دو هفته گذشته "جنگ نفت - کشتیها" در خلیج فارس اوج گرفت. جمهوری اسلامی با شدت و گستردگی و با هدف غرق ساختن کشتیها و نفتکش‌ها حمله به شناورهای دریایی را افزایش داده است. اگر در دوره‌های قبلی تشدید حملات به کشتی‌های غیر نظامی اغلب موارد به آسیب جزئی ختم می‌شد و کشتی‌ها را از ادامه حرکت باز نمی‌داشت، در دوره اخیر، آنچه که چشمگیر است، شدت ضربات وارده به کشتی‌هاست، تا به حدی که به غرق چندین کشتی طی مدت مزبور انجامیده است.

"جنگ نفت کشتیها" حمله قایق‌های جمهوری اسلامی به یک نفت‌کش عظیم تحت پرچم قبرس در روز جمعه ۲۰ آذر بود. این نفت‌کش ۲۳۲۱۶۴ تنی با نفت عربستان سعودی در حال حرکت به سوی تنگه هرمز بود تا از خلیج فارس خارج شود نفت‌کش مزبور بقیه در صفحه ۲

در این شماره

نگاهی به تصمیمات اجلاس اخیر اوبک
حفظ‌بهای سابق نفت

در صفحه ۲

تجاوز به حقوق بشر
بنیان جمهوری اسلامی

در صفحه ۲

کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه

در صفحه آخر

فلسطین: ترازوی چهل ساله

در صفحه ۸

رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، اشغالگران صهیونیست در مقابل با گسترده‌ترین جنبش‌دهای در سالهای اخیر، تا روز دوشنبه ۱۴ دسامبر دست به کشتار ۲۲ تن و مجروح کردن ۱۹۶ تن از مردم زدند. در طول هفته گذشته بر شمار قربانیان وحشیگریهای صهیونیستها افزوده شد. نوار غزه ۶۵۰ هزار سکنه دارد.

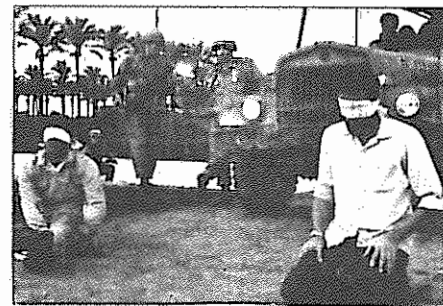
در روز دوشنبه ۱۴ دسامبر، در این منطقه اعتصابی عمومی آغاز شد. مردم خیابان‌ها را سنگر بندی کرده، در برابر واحدهای ارتش اسرائیل به پرتاب سنگ، آتش‌زدن لاستیک اتومبیل و اقدامات دفاعی مشابه توده‌ای متوسل می‌شوند.

برنارد میلز، رئیس سازمان امدادیه آوارگان وابسته به سازمان ملل، مستقر در نوار غزه اقدامات سرکوبگرانه ارتش اسرائیل را شدیداً محکوم کرد و اظهار داشت برخی افراد ارتش و پلیس اسرائیل از شلیک به سوی مردم لذت می‌برند. اکثر قربانیان این جنایات را نوجوانان تشکیل می‌دهند.

بقیه در صفحه ۱

قیام در نوار غزه

هفته گذشته، حرکات اعتراضی مردم ساکن مناطق اشغالی فلسطین و به ویژه نوار غزه، که در شماره پیش خبر آغاز آنرا دادیم، گسترش یافت و به حد یک قیام مردمی رسید. به گفته یاسر عرفات



صهیونیستها دو میهن‌پرست فلسطین را دستگیر کرده‌اند

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

تجاوز به حقوق بشر، بنیان جمهوری اسلامی

۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، بیانیه جهانی حقوق بشر در ۳۰ ماده انتشار یافت. به مناسبت ۳۹ امین سالگرد انتشار این بیانیه، نشریه فرانسوی زبان "اخبار ایران" دست به انتشار مطلبی تحت عنوان "تجاوز به حقوق بشر، بنیان جمهوری اسلامی ایران" زد. در این مطلب، قانون جزای جمهوری اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته و برخی تناقضات آشکار این قانون با مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر، نشان داده شده است. مابه درج ترجمه قسمت هایی از این مطلب می پردازیم:

حق شکنجه نشدن ...

ماده پنجم بیانیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارد: "هیچ فردی نباید شکنجه شود، نباید به مجازات و رفتار وحشیانه غیر انسانی و آزاردهنده محکوم گردد"

قانون جزای جمهوری اسلامی حاوی مجازات هایی است که بداندنهای شکنجه، رفتار وحشیانه، غیر انسانی و آزاردهنده نام دیگری نمی توان نهاد. بطور مشخص می توان به سنگسار کردن، مصلوب کردن، تازیانه زدن، قطع عضو... اشاره کرد.

مجازات هایی که در مواد مختلف قانون جزای جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده اند، نشان دهنده اراده و قصد آگاهانه و جنون آمیز جهت ایجاد دردی آزاردهنده که گاهی نیز باید به مرگ منتهی گردد، هستند:

سنگسار کردن: ماده ۱۱۹ قانون حدود و قصاص در مورد مجازات زنا چنین می گوید: "بزرگی سنگ در رجم (سنگسار) نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو تای آن شخص کشته شود و نیز کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند".

مصلوب کردن: از ماده ۲۰۷ قانون حدود و قصاص به روشنی استنباط می توان کرد که هدف از مصلوب کردن وارد کردن دردی آزار دهنده به "محکوم" است به ترتیبی که وی در اثر این درد بمیرد. این ماده در مورد مجازات کسانی که به جرم "محارب" (کسی که با خدا وارد جنگ شده است - محکومیت نیروهای انقلابی) یا به "مفسد فی الارض" محکوم شده اند، اشعار می دارد:

"مصلوب کردن مفسد و محارب باشر ابط زیر انجام می گیرد:

الف: نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب: بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در انقائ سه روز بمیرد می توان او را پس از مرگ پائین آورد.

ج: اگر بعد از سه روز زنده بماند، نباید او را کشت."

ماده سوم قرار داد ژنو در مورد حفاظت غیر نظامیان در زمان جنگ که مورد قبول رسمی جمهوری اسلامی نیز هست، موارد ممنوعه زیر را بر می شمارد: "تجاوز به زندگی افراد و به تمامیت جسمی آنها، بطور مشخص قتل تحت هر شکلی که باشد، قطع عضو، رفتار آزار دهنده، شکنجه و مجازات بدنی."

تازیانه زدن: مواد پیشماری از قانون حدود و قصاص و نیز تعزیرات، تازیانه را بعنوان جزای جرم اعلام می کنند. بعنوان مثال، ماده ۱۳۲ قانون حدود و قصاص پیش بینی می کند:

مرد را در حالیکه ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد وزن رادر حال نشسته که لباسایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند."

در اینجا ما قسمتهایی از گزارشات اسیران فدایی را که در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه قرار گرفته اند، یادآوری می کنیم.

"بعد از شلاق زدن (با شیلنگ آب یا کابل سیمی)، معمولاً نوبت "دستبند قیانی" می رسد. دستها را در حالیکه یکی در پائین قرار دارد و دیگری از پشت گردن آمده است، حتی الامکان می کشند و بادستبند بهم دیگر می بندند... اسیر را ممکن است تا چندین روز در این حالت بگذارند... بعد از این شکنجه های "مستقیم"، بسیار پیش می آید که زندانی را از یک هفته تا چند ماه، با چشماهای بسته در گوشه ای از راهرو بیندازند تا صدای ناله و فریاد مبارزین دیگر را از "اطاقهای تمشیت" بشنود و زجر بیشتری ببیند... از مقاله "اینجا بند ۲۸۰ است" - اکثريت شماره ۱۱.

در دسامبر ۱۹۸۴ دکتر رجایی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، در دفاع از موضع جمهوری اسلامی و ارتباط و انطباق آن با بیانیه جهانی حقوق بشر، از جمله چنین می گوید:

"... ما فکر می کنیم که اگر اعدامها و مجازات های بدنی بر اساس قوانین اسلامی اجرا شوند، شکنجه به حساب نمی آیند... ما هر نوع شکنجه، از جمله مجازات هایی بدنی و اعدام را تا زمانی که بر اساس رهنمودهای اسلامی صورت نگرفته اند، محکوم می کنیم." (کيهان ۱۲۶۲ آذر ۲۲)

حق آزادی عقیده ...

ماده ۱۸ بیانیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارد: "هر فردی حق برخورداری از آزادی عقیده، ایمان و مذهب را دارا است...". ماده ۱۹ این بیانیه اعلام میکند: "هر فردی باید از آزادی اندیشه و بیان برخورداری باشد" و ماده ۲۰ بیان می کند: "هر فردی باید از آزادی شرکت در تجمیع وانجمن های غیر فئرا میز بهره مند شود".

برخورد کردن به مواد متعددی از قانون جزای جمهوری اسلامی که اندیشه و عقاید دیگری غیر از اندیشه و عقاید حاکم را مورد سرکوب قرار می دهد، امر نادری نیست. بعنوان مثال، ماده ۱۱ قانون تعزیرات چنین اعلام می کند: "هرگاه ثابت شود که گروهی در خفا برای برهم زدن امنیت کشور دسته بندی و سازماندهی نموده و تصمیم گرفته اند ولی قصد براندازی نداشته باشند، به حبس یک سال تا ۱۰ سال محکوم خواهند شد."

حق برخورداری از

محاکمه ای عادلانه

مواد ۷ تا ۱۱ بیانیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارند: "تمامی افراد در مقابل قانون با هم برابرند و بدون هیچ تمایزی نسبت به یکدیگر، بطور مساوی تحت حفاظت قانون هستند... هر فردی حق درخواست تجدید نظر در مقابل دستگاه قضایی کشور خود را داراست... هر فردی که متهم به جرمی شده است، تا اثبات اتهام، بی گناه محسوب می شود..."

بر اساس قانون جزای جمهوری اسلامی، حاکم شرع در عین آنکه نقش دادستان را داراست، ناظر بر اجرای حکم نیز هست. حاکم شرع مجبور به ارائه دلیل و برهان حکم نیست. "علم قاضی" امری غیر قابل انکار

است. ماده ۲۷ قانون حدود و قصاص در مورد راهبای ثبوت قتل چنین بیان می کند:

"راهبای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از: ۱ - اقرار ۲ - شهادت (دادن) ۳ - قسامه (سوگند یاد کردن) ۴ - علم قاضی. در بالا دیدیم که در سیاهچالهای جمهوری اسلامی، همه وسایل برای "کشیدن اقرار" موجه هستند. اهمیتی که قانون جزای ج ۱۰ به "اقرار" می دهد در ماده ۲۸ قانون حدود و قصاص مشهود است: "با اقرار به قتل عمد، گرچه یک مرتبه هم باشد، قتل عمد ثابت می شود."

"تساوات در محاکمه" پادست یازیدن به "قسامه" و به شهادت چند "مرد عادل" زیر پا گذاشته می شود. عامل "علم قاضی"، حاکم شرع را ماورا و بالاتر قانون قرار می دهد. این پدیده ای است که به دیده انسانهای متقدم، چیزی جز خودسری و بی قانونی نیست. در واقع این بی قانونی قانونی شده است.

اصل بی گناهی تا اثبات اتهام

قانون جزای جمهوری اسلامی، این اصل را به رسمیت نمی شناسد بعنوان مثال ماده ۲۸ قانون حدود و قصاص در مورد اتهام به قتل چنین اعلام می کند: "در موارد لوث، ابتدا از مدعی علیه شهود معتبر مطالبه می شود..."

همین ماده ۲۸، عوامل شهادت و قسامه (سوگند یاد کردن) را که بعنوان راهبای اثبات قتل می شناسد. چنان ساده می کند که شکل نهایی این ماده، شکل مسخره ای بخود می گیرد:

"... مدعی می تواند برای اثبات مطلب خود چهل ونه نفر مرد از خویشان و بستکان خود را که از وقوع قتل آگاهی داشته باشند دعوت کند تا به اتفاق اوجه اثبات دعوی قسم یاد کنند و چنانچه عدد آنها کمتر از نصاب باشد، قسم را تکرار کنند تا پنجاه تکمیل شود و اگر مدعی بستگانی ندارد یا بستگانش آگاهی ندارند یا حاضر به قسم نیستند خود مدعی می تواند پنجاه بار سوگند یاد کند تا دعوی او ثابت گردد."

قانون جزای جمهوری اسلامی، یک هیولای قضایی است. هیولایی که از اعماق قرون بیرون کشیده شده است. این قانون باید عیقا تحلیل و مطالعه شود. شناساندن این قانون و مواد آن به افکار عمومی جهان، به وکلا و نیروهای دمکرات سراسر جهان، وظیفه ای مهم و عاجل است.

نگاهی به تصمیمات اجلاس اخیر اوپک

حفظ بهای سابق نفت

اجلاس وزرای نفت کشورهای عضو سازمان کشورهای مادرکننده نفت (اوپک) که در وین پایتخت اتریش جریان داشت، روز ۲۳ آذرماه با صدور اطلاعیه‌ای در زمینه موافقتنامه کشورهای عضو، به کار خود پایان داد. مشکلات و مسائلی که اوپک با آنها روبرو بود قبل از اجلاس اخیر، نه تنها کاهش نیافته بود، بلکه پایین آمدن نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزهای قوی جهان که منجر به کاهش جدی درآمد کشورهای عضو گردیده است نیز بر دوش اجلاس سنگینی می‌کرد. جبهه‌گیری‌های سیاست‌های جنگ خلیج بر مواضع کشورهای عضو از همان آغاز اجلاس مشهود بود و درست به همین واسطه، گزارشگران و کارشناسان، در سراسر طول برگزاری اجلاس، اخبار و شواهدی دال بر عدم موفقیت کار اجلاس منتشر می‌کردند.

بدین ترتیب خواسته‌های سه‌گانه جمهوری اسلامی که عبارت بودند از افزایش دو دلار بهای هر بشکه نفت به منظور خنثی کردن اثر کاهش نرخ

دلار، مجبور ساختن عراق به پذیرش سهمیه بندی تولید نفت و کاهش سقف تولید نفت اوپک و در موازات با آن، درخواست عراق برای افزایش سهمیه تولید نفت خود معادل سهمیه نفت جمهوری اسلامی، درخواست عربستان سعودی و کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج مبنی بر حفظ بهای پایه سابق معادل ۱۸ دلار به ازای هر بشکه، مسئله افزایش غیرقانونی تولید نفت برخی از کشورهای عضو، از جمله مسائلی به حساب می‌آمدند که در برابر اجلاس اخیر قرار داشتند. باید خاطرنشان ساخت که بخش اعظم این مسائل از اجلاس اوت ۱۹۸۶ تا امروز در بین کشورهای عضو سازمان طرح بوده و تاکنون مرتفع نشده‌اند. روز ۲۳ آذر ماه رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که بهای نفت "برنت" دریای شمال در بازار نفت اروپا ۹۵ سنت کاهش داشته و به ۱۵/۹۵ دلار به ازای هر بشکه رسیده است. کاهش یکباره بهای نفت "برنت" که از مارس سال جاری تاکنون بی‌سابقه بوده است بر حدت مسائل مطروحه در اجلاس اوپک افزود.

لقمان وزیر نفت نیجریه که ریاست اوپک را برعهده دارد در مصاحبه‌ای که پس از اختتام اجلاس صورت گرفت، خاطرنشان ساخت که اجلاس تصمیم گرفته است توافقنامه گذشته را تا اجلاس بعدی اوپک تمدید کند. اوپک، سازمان کشورهای صادرکننده نفت، بدون در نظر گرفتن اجلاسهای فوق العاده، هر شش ماه یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. بدین ترتیب و طبق اطلاعیه رسمی اوپک، توافقنامه گذشته سازمان تا اجلاس بعدی که در ماه ژوئن برگزار خواهد شد، تمدید شده و ۶ ماهه نخست سال میلادی جدید را در برمی‌گیرد. براین اساس، بهای نفت اوپک در حد همان ۱۸ دلار بازاری هر بشکه باقی خواهد ماند. اجلاس همچنین تصمیم گرفته است که سقف تولیدی اوپک را برای ششماهه نخست سال آتی تا حد ۱۵/۰۶ میلیون بشکه در روز حفظ کند. باید خاطر نشان ساخت که سقف

تولیدی نفت اعلام شده از سوی اوپک، میزان تولید نفت عراق را در بر نمی‌گیرد.

میزان سهمیه تولید نفت عراق طبق مصوبه اجلاس گذشته معادل ۱/۵۴ میلیون بشکه در روز تعیین شده بود. عراق چه امروز و چه آنزمان از پذیرش سهمیه فوق سرباز زد و اعلام کرد که خواهان سهمیه ای - معادل سهمیه جمهوری اسلامی، یعنی ۲/۲۳۹ میلیون بشکه در روز است. بدین ترتیب عراق در اجلاس اخیر نیز بسان اجلاس گذشته در توافقنامه سازمان شرکت نکرد. طبق اخبار منتشره از سوی کارشناسان بین‌المللی امور نفت، میزان تولید نفت عراق با احتساب کمکهای کویت و عربستان سعودی، روزانه بالغ بر ۲/۸ میلیون بشکه در روز است. لقمان وزیر نفت نیجریه که ریاست اجلاس را برعهده دارد دو روز پیش از اختتام اجلاس طی مصاحبه‌ای از موضع عراق انتقاد کرد و افزود که سیاست عراق میتواند بر مشکلات اوپک بیافزاید.

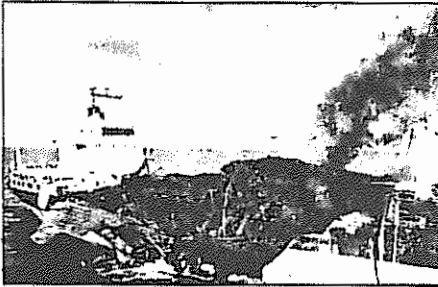
سقف نفت تولیدی اوپک معادل ۱۵/۰۶ میلیون بشکه در روز که از سوی اجلاس اخیر تعیین شد - متهای سهمیه باز عراق - بنا به نظر کارشناسان امور نفتی، در صورت رعایت آن از سوی کشورهای عضو مانع از کاهش بهای نفت خواهد شد. این درحالی است که بنا به اخبار رسمی، میزان تولید نفت اوپک بعلت تولید مازاد برخی از کشورهای عضو در ماههای گذشته، ۱۹ تا ۲۰ میلیون بشکته در روز گزارش شده بود.

قابل ذکر است که آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی، پیش از اختتام کار اجلاس و وین را به قصد تهران ترک کرد. عده‌ای از مفسرین غربی علت سفر وزیر نفت جمهوری اسلامی به تهران را مربوط به بیماری خمینی دانسته‌اند اما آقا زاده وزیر نفت در مصاحبه‌ای اعلام کرد که به قصد کسب تکلیف در قبال تصمیمات اوپک راهی تهران شده است. بدین ترتیب کاظم پور اردبیلی معاون آقا زاده، توافقنامه اوپک را امضا کرد.

اجلاس نویستی اوپک به کار خود خاتمه داد، اما مشکلات و مسائل برجای ماندند. احتمال تزریق بیشتر نفت به بازار از طریق تولید غیرقانونی برخی از اعضا، منتفی نیست. لقمان رئیس اوپک اعلام کرده است که بر امر تولید نفت کشورهای عضو کنترل بیشتری صورت خواهد گرفت، اما تجربه ماههای گذشته نشان داد که برخی از کشورهای عضو و بویژه کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج مصوبه اجلاس را رعایت نکرده‌اند. احتمال افزایش تولید نفت، احتمال کاهش بهای نفت را بدنبال دارد. سهمیه باز عراق نیز میتواند بر حدت مشکلات بیافزاید. از سوی دیگر اجلاس اخیر اوپک موفق نشد برای مشکلات قدیم راه حلی ارائه نماید و تنها موضوع را به ۶ ماه بعد - اجلاس ژوئن - موکول کرد. بدین ترتیب اجلاس اخیر اوپک که وارث مشکلات اجلاس قبسل بود، همان مشکلات را، به اجلاس بعد منتقل نمود.

از سرگیری جنگ "نفت کش ها"

بقیه از صفحه اول



نفت کش یونانی "آریادنا" که در حضور یک کشتی جنگی آمریکایی مورد حمله نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت.

بر اثر این حمله کاملاً آتش گرفت.

جمهوری اسلامی همچنین در همین روز دو نفت کش یونانی را مورد حمله قرار داد. یک نفت‌کش یونانی دیگر نیز دوبار توسط قایق‌های جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت. بار دوم، حمله به قدری شدید بود که خدمه نفت‌کش ۱۰۲۰۸۸ تنی "آریادنا" ناچار به ترک کشتی شدند.

در روز چهارشنبه ۲۵ آذر "جنگ نفت‌کش‌ها" ادامه یافت. نفت کش یونانی "ورلدپروسس" توسط جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفت. در همین روز نیروی هوایی عراق در نزدیکی سواحل ایران به سوی یک نفت‌کش بزرگ شلیک کرد. همزمان با تشدید مجدد جنگ در خلیج فارس، خبرگزاری رویتر گزارش داد که حمله قایق‌های سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به نفت کش یونانی "آریادنا" در حالی صورت گرفت که یک کشتی جنگی آمریکایی در نزدیکی محل حادثه به سر می‌برد.

فرمانده این کشتی با استناد به اینکه دست‌ور پنتاگون مداخله نیروهای آمریکایی را تنها در صورت حمله به کشتی‌های حامل پرچم آمریکا پیش‌بینی کرده است، از کمک به کشتی یونانی خودداری کرد. متقابلاً هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد جمهوری اسلامی با نیروهای آمریکایی در خلیج فارس درگیر نخواهد شد و تنها به کشورهای عربی خلیج ضربه وارد خواهد کرد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز جمعه ۲۷ آذر ماه اعلام کرد که نفت‌کش عظیم ۲۸۰ هزار تنی عربستان سعودی در ۲۰ کیلومتری آبهای دومی سورد حمله قایق‌های توپدار (جمهوری اسلامی) قرار گرفته است.

بیمه لویدز گزارش می‌دهد که خسارات کشتی‌ها در جنگ خلیج انتشار داد. مطابق این گزارش تاکنون تعداد ۴۲۰ فروند کشتی هدف قرار گرفته‌اند که از این تعداد ۱۵۵ مورد در طی سال ۱۹۸۷ بوده است. براساس این گزارش تاکنون ۱۰۰ ملسوان کشته شده‌اند.

اجرای قانون جدید ارتش در نیروهای مسلح آغاز شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد که طرح نوین ارتش به زودی در شهرهای اجرا خواهد شد. اجرای این قانون از هفتم آذر آغاز شده و واحدهای عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح نظارت بر اجرای آن را برعهده گرفته‌اند. دستور اجرای قانون جدید دو هفته پیش از سوی غلامرضا صفایی نماینده خمینی و سرپرست سازمان عقیدتی سیاسی ارتش اعلام گردید. وی که در جمع فرماندهان نظامی و روحانیون واحدهای عقیدتی سیاسی سخنرانی می‌کرد، اعلام نمود: آن دسته از مواد قانون جدید ارتش جمهوری اسلامی ایران که نیاز به تدوین دستورالعمل و آیین‌نامه اجرایی نداشته باشد، از تاریخ ۶۶/۹/۷ لازم‌الاجراست و کلیه یگانها و واحدهای ارتش باید طبق آن عمل نمایند.

طبق قانون نوین ارتش "رکن ۲ سابق" و "رکن ۵" که هر دو از واحدهای اطلاعاتی می‌باشند به رسمیت شناخته شده و آنان موظفند گزارشهای خود را در اختیار وزارت اطلاعات، فرماندهی سپاه و فرمانده کل قوا (خمینی) قرار دهند.

محاکمه ایرانیان شغالکننده

سفارت جمهوری اسلامی در بلژیک آغاز شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از رویترز گزارش داد که محاکمه تعدادی از ایرانیانی که روز ۱۹ شهریور سال جاری به عنوان اعتراض به حکومت ارتجاعی خمینی، سفارت جمهوری اسلامی در اسلوسو را تصرف کرده بودند، آغاز شد. این عده که تعدادشان ۱۱ تن است روز ۱۹ شهریور (۱۰ سپتامبر) توسط پلیس نروژ دستگیر شدند. جمهوری اسلامی به این بهانه که آنان ۷ تن از کارکنان سفارت را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، در پی جلب نظر دولت نروژ برای ایجاد محدودیت‌های تازه برای ایرانیان موقتی در این کشور است.

ادامه اعتراض فوتبال‌لیست‌ها به سیاستورزی رژیم

در پی اعلام اسامی دعوت‌شده‌گان به اردوی تیم ملی فوتبال، ۴ تن از بازیکنان دعوت‌شده با اعتراض به مسئولین فدراسیون فوتبال، از حضور در اردوی تدارکاتی تیم ملی خودداری کردند. ۳ نفر از این عده مستعفیان تیم ملی فوتبال پس از مسابقات قهرمانی آسیا در سئول بودند - هفته گذشته یکی از بازیکنان مستعفی پس از ارسال نامه‌ای به مطبوعات، ضمن اعتراض به تبلیغات رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی و عملکرد مسئولین ورزش، نوشت: "من و دیگر بازیکنان مستعفی در سئول هم قسم شدیم تا زمانی که شما مربیان تیم ملی هستید کار نکنیم و برای آن امضایی که کردیم ارزش قائل هستیم." نامه‌های مشابهی از سوی ۲ تن دیگر از بازیکنان نیز ارسال شد.

انتشار خبر در شرف مرگ بودن خمینی

با بد و بی‌بینه آن صادر شود، به طور غیرمترقبه وین را به قصد تهران ترک کرد. گفته شد که قطع جلسات عادی دولت در تهران موجب شد که آقا زاده نتواند از وین با موسوی‌نخست‌وزیر تماس حاصل کند. روز دوشنبه بی‌بینه اوپک توسط کاظم پور اردبیلی معاون وزیر نفت امضا شد. اردبیلی طی گفتگو با خبرنگاران وخامت وضع جسمی خمینی را تکذیب کرد. در تهران نیز هاشمی رفسنجانی روز سه‌شنبه در مصاحبه ویژه با روزنامه کیهان گزارشهای مربوط به وخامت حال خمینی را تبلیغات مطبوعات غربی خواند و اظهار داشت که از تغییر وصیتنامه خمینی نباید "تعبیر سو" کرد.

رادیو جمهوری اسلامی همچنین اطلاع داد که رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی به منظور دیدار با منتظری و گفتگو پیرامون مسایل کشور وارد قم شد. یک هفته پیش‌از آن در جریان تغییر "وصیتنامه سیاسی - الهی" خمینی، منتظری و رفسنجانی در جماران بودند.

اعترافات یک نماینده مجلس درباره "قانون‌گار"

دارد، بنابراین گفتند که قرار دادن این ماده در قانون خلاف شرع است.

نماینده مزبور در مورد دیدگاه نمایندگان مجلس نسبت به کارگران گفت: برخوردی که با لایحه کار صورت می‌گیرد، برخوردی است که یک تاجر می‌تواند با انسانی - که او را کالا فرض می‌کند - داشته باشد. وی از نمایندگان خواست که "تاجرگونه با این مسایل برخورد نکنند که با صرفه است یا نه؟ بار مالی دارد یا نه و تاکید کرد حتی در نظامهایی که کارگرا به دیده "بزار" می‌نگرند برای "و حقوقی مانند تامین مسکن، خوراک، بهداشت، بیمه و... در نظر گرفته‌اند."

هفته گذشته مطبوعات اروپایی گزارش‌های سی دایر بر وخامت وضع جسمی خمینی انتشار دادند. این خبر در سطح کشور و در میان ایرانیان خارج از کشور بازتاب وسیعی یافت. روز سه‌شنبه ۲۴ آذر - روزنامه تایمز لندن با استناد به منابع موثق در تهران اعلام کرد که خمینی را جهت مداوا به یکی از بیمارستانهای تهران انتقال داده‌اند.

گزارش "تایمز" حاکی از آن بود که خمینی از روز یکشنبه ۲۲ آذر در حالت اغما بود و یک هیات پزشکی ویژه، مرکب از پزشکان اتریشی و بریتانیایی مشغول مراقبت از وی هستند. تایمز نوشت که خبر مربوط به بیماری خمینی را از طریق پزشکان بریتانیایی وی و یکی از مقام‌های بلندیایه و نزدیک به رهبری جمهوری اسلامی کسب کرده است.

خبر بیماری خمینی و حالت فوق‌العاده در جماران، روز یکشنبه با بازگشت ناگهانی آقا زاده از اجلاس اوپک، بیش از پیش قوت گرفت. وزیر نفت جمهوری اسلامی پیش از آنکه اجلاس خاتمه

یک نماینده مجلس شورای اسلامی، در گفتگویی اختصاصی، با روزنامه اطلاعات، گوشه‌ای از مباحث طرح شده در مجلس بهنگام تصویب قانون کار را فاش ساخت. در بخشی از مباحث مربوط به قانون کار مصوب مجلس، مطالبات کارگران تحت عنوان "ادیون ممتازه" از سوی مجلس رد شده است. یعنی اینکه اگر کارفرمایی با انبوه کارگر مزد بگیر و دچار ورشکستگی و یا رکود تولیدی شود به کارگران بدهی داشت حق دارد از پرداخت بدهی خود سرباز زند. در همین رابطه نماینده مزبور فاش ساخت که: بنابر استدلالی که بعضی از آقایان داشتند که اگر عیین مال کسی در بین دارایی‌های فرد ورشکسته شده یا بدهکار باشد آن شخص می‌تواند عین مال خود را بر

مرگ در دشت



یک سربا ز عراقی در لحظه مرگ

از رنج‌های مردم

بخشی از يك نامه:

"..... روزی نیست که خانواده‌ای در مصیبت جنگ عزادار نباشد، همه منتظر خبری بد و ناگوار هستند. همه در اضطراب بسر می‌برند. از این نوع جملات همیشه می‌شنویم که: "شاید الان بغبی بر سرمان افتاد و مردیم." شاید هم الان مدیر کارخانه بیاید و بگوید آقا یون همه اخراجیست، اوضاع مملکت جنگی است و بودجه و مواد اولیه نداریم." "....." سربرجه، اگر صاحبخانه بیایند و اجاره بخواهد چه کار کنم؟ "....." مهمان اگر بیاید باید چه کار کرد؟ "....." "بچه‌ها لباس بخوان چی بگم؟"....."

در سه راه آذری همسر یک کارگر بیکار دفترچه بسیج و شناسنامه افراد خانواده را نزد بقال محل گرو گذاشت. بقال شرط پس دادن دفترچه بسیج و شناسنامه را دریافت طلب خود قرار داد. کارگر بیکار با هزار زحمت پولی تهیه کرد و به همسرش داد که به بقال بدهد. زن وی وقتی که بخانه برگشت دید که شوهرش خود را آتش زده و مرده است. مورد دیگری که در کارگاه خود ما اتفاق افتاد در ساعت ۱۲ شب کارگری بعلت گرسنگی مزمن و عدم تغذیه خوب و کافی درپای دستگاه بیهوش شد و بزمین افتاد. وقتی او را به درمانگاه بردیم، دکتر گفت چیزی نیست قدری غذا بخورد خوب می‌شود.

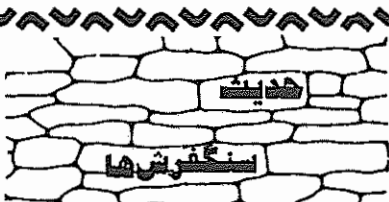
رژیم از وجود همین شرایط برای اعزام اجباری کارگران و کارمندان به جبهه استفاده می‌کند. پارسال کارخانه بعد از ۲ ماه بعلت قطع کار تعطیل اعلام شد. کارگرها پس از ۱۵ روز به کارخانه آمدند و خواستار حقوق شدند. شورا از طرف مدیریت ماموریت یافت که سخنرانی کند. سخنگوی شورا گفت، برادرها هرکه حقوق می‌خواهد به جبهه برود. چونکه کارخانه پول ندارد. همه‌ها شدند. یکی از کارگرها گفت: آقای حزب اللهی پس برو و بمعی بیاور و ما و بچه‌هایمان را یکجا بکش چرا می‌خواهی اینطوری ما را بکشی. تعدادی برای جبهه ثبت نام کردند. از یکی از آنها وقتی برگشت

پرسیدم برای چی رفته بودی؟ جواب داد توکسه میدانی بی‌پولی یعنی چه، جواب زن و بچه را چی باید می‌دادم؟ رفتم لااقل حقوق عقب افتاده دوماه را گرفتم.

..... در یک محفل کارگری صحبت از اوضاع و احوال جامعه و کارخانه بود. یکی از کارگران می‌گفت "ما به تنگ آمده‌ایم مقصر را می‌شناسیم، دشمن را می‌شناسیم شما می‌گوئید چکار کنیم؟ شورا وابسته است، انجمن جاسوس است. چه بایسد کرد؟"

فشار بر کارمندان و اصناف نیز زیاد است. به سندیکای آلومینیم کاران گفتند فلان مبلغ بدهید تا سهمیه‌تان حفظ گردد. آنها حدوها مبلغ ۴ میلیون تومان به انضمام کلی درب و پنجره برای فلان محل ساخته و تحویل دادند. دارندگان کامیونها و کمپرسی‌ها و تعاونی‌های مسافری نیز همین وضع را دارند. در ترمینال جنوب خودم موردی را دیدم که سپاه جلوی اتوبوس با ۴۵ سرنشین را می‌گیرد و مسافران را پیاده می‌کند و اتوبوس را به جبهه اعزام می‌کند.

در یک پمپ بنزین، آخرهای شب یک کمپرسی آمد و گفت برایم گازوئیل بزن ما مور پمپ بنزین که از آشنایان ما بود به او گفت مگر نمی‌دانسی که از ساعت ۱۰ شب به بعد دادن گازوئیل قبیح است؟ گفت: مجبورم اگر روز بیایم جلویم را می‌گیرند چون نمی‌خواهم به جبهه بروم. مسئول پمپ بنزین پرسید تا به حال گیر نیافتادی؟ جواب داد: "چرا یکرز در آرامگاه پلیسی جلویم را گرفت و گفت چرا به جبهه نرفته‌ای؟ گفتم برای اینکه اعتقاساد ندارم. گفت مگر مسلمان نیستی؟ گفتم من مقلد امام هستم. پلیس گفت اگر هستی، پس چرا فرار می‌کنی؟ گفتم آخر امام که به نماز جماعت نمی‌رود تا من هم بروم. امام پسرش را به جبهه نمی‌فرستد تا من هم بفرستم. امام به جبهه نمی‌رود تا من هم پشت سرش با خانواده‌ام راه بیافتم. بعد پلیس خنده‌ای کرد و دست از سرم برداشت."



يك صدهزار سال تمام، ما چون سنگ خارا
آرمیدیم، سرد چون یخ،
سپس، با دینامیت پیا خاستیم
و به هشت کالا درآمدیم.

درکان سنگ، ناله زحمتکشی به آسمان برخاست
منه، جرقه زد. انفجار و حریق برخاست،
ما، خون و عرق کارگر را
تا مغز استخوان نوشیده‌ایم.

ما را در خیابانی کار گذاشتند،
کارگری بر ما کوبید و تنگ هم چید،
عرق تن او فرو چکید. عرق تنش خشکید،
اما نمک آن در سنگ برجای ماند.

از آن پس، بروی ما هرچیز غلتانی، غلتید،
ارابه‌ها، کامیونها، و لیموزین‌ها،
و با اینحال، ما در سینه سنگ خود
گرمای قلب مرد کارگر را احساس می‌کردیم.

يك روز ضربات سنگین هزاران گام را که به
خروش آمده بودند، بر سر و روی خود لمس کردیم،
جمعیت می‌خواندند، اما آه فریاد ما برخاست
پیشانی سنگی ما يك باره برافروخته و داغ شد.

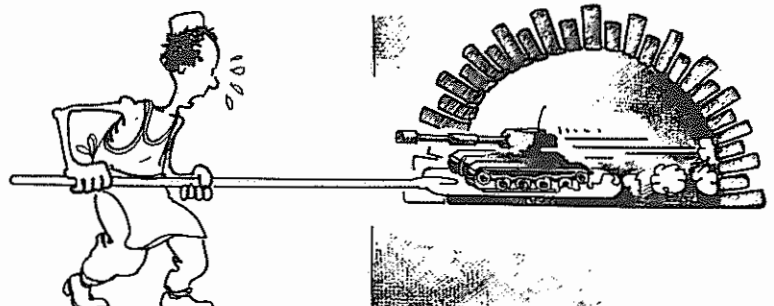
گلوله‌ها در پیشانی آبله‌گون ما می‌نشست
و آتش و خاك و خاشاك بود که برمی‌خاست.
و فرو می‌شد.
خون و مغز انسان بود که در کام ما می‌شد
و ما از آن خونی که نشت کرده بود نوشیدیم.

آنان ما را از هم دریغند و از سر راه برداشتند.
آنگاه ما دیگر سد و مانع بودیم!
شنیدیم که قربانی، سلاح خود را برگرفت.
و غریو خشم او را که برخاست.
و بار دیگر، آتش و آهن و خاك و خاشاك بود که -
فرو می‌ریخت،

ما برادران خود را حفاظت کردیم -
با قدرت پشت، و تنه سنگی خود
حمه را دفع کردیم.

خون انسان، با خون ما عجین شده،
در قلب ما، جریان یافته،
و ما همواره به نشانه پیروزی
بر سر مزار یاران، خواهیم ایستاد.

اریش وینرت (۱۹۵۳ - ۱۸۹۰)



در وردن خدا را گم کردم

وردن، درون، مهر ننگ ابدی بر جبین
میلترایسم است.

ماتس مارشویسا نویسنده
آلمانی در داستان بلندی بنام "در
وردن خدا را گم کردم"، جهنم وردن
را تصویر می‌کند. پیش‌پایانی این
داستان را در این شماره درج می‌کنیم.

وردن دریلزیک، یادآور فرد
خونگنی است که در جنگ جهانی اول
میان ارتش‌های آلمان و فرانسه روی
داد، خفته‌ها به طول انجامید و بدون
اینکه به نحوی در خط چپه
بیانجامد، دهها هزار کشته برجای
نهاد. وردن، منظور جفاکارانه بودن
در می‌راندن جنگ ارتش‌های است.

صدای ناله‌ای به گوش می‌رسید.
به دیوار سنگر چسبیدم. سرباز
جوان تازه اعزام شده‌ای که با من از
سوراخ بیرون آمده بود، در کنار من
موضع گرفت. صدای آتش ما و دشمن
خاموش شده بود. سکوت به همان
اندازه وحشتناک و رعب‌آور بود که
آتش قبلی، زیرا می‌دانستیم که آتش
بعدی تدارک حمله است.

در کنار من آن پسر جوان
ایستاده بود. بعد از چند لحظه شنیدم
که دعا می‌کند. به یاد هوفر افتادم، و
به یاد حرف‌های ولف: امروز این، فردا
آن، پس فردا من...
در سمت راست در سنگر، که
گروهی از سربازان یک گروهان دیگر
نشسته بودند، یک گودال بزرگ
ایجاد شده بر اثر انفجار خمپاره بود.
یکی فحش می‌داد. یکی دیگر
می‌گریست.

پسرک کنار من گفت: "مادرم
به من یک کتاب مقدس داده است.
گفت برایم هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.
فکر می‌کنی کمک کند؟" در چشم‌های
آبی بزرگش ترسی وصف‌ناشدنی نشسته
بود.

گفتم: "برایت هیچ اتفاقی
نخواهد افتاد." چون دیدم اگر این‌را
نگویم می‌میرد. دوباره مشغول دعا شد.
آنقدر بلند دعا می‌کرد که دیگران
صدایش را می‌شنیدند.

یکی داد زد: "بس کن، احق!
وگرنه بیل را به صورتت می‌کوبم."
پسرک باز پرسید: "هیچ اتفاقی
برایم نمی‌افتد، نه؟"

آرامش کردم: "نه".

گفت: "کتاب مقدس همراه
است. مادرم هم همین را می‌گفت..."
گفتم: "هیچ اتفاقی برایت
نمی‌افتد!" مخاطبم، خودم بودم،
زیرا منظره وحشتناک جنازه‌ها که در
چند قدمی ما در سنگر افتاده بودند،
مرا به وحشت افکنده بود. جمجمه‌ام
از هیجان می‌سوخت و حس می‌کردم که
می‌لرزم.

ناگهان از فرازما آتشباری

یک نفر سرش را جلوی سوراخی
آورد که از مدت‌ها پیش بدرون آن
خزیده بودیم و فریاد کشید: "ولف!
یا الله، بیا بیرون و پیش فرمانده
گروهان برو!"
ولف که مات و مبهوت نشسته
بود، برخاست و هنگام رفتن گفت:
"از من چه می‌خواهد؟"
صدا از بالا فریاد زد: "زود
باش!"

ولف از میان ماراه خود را باز
کرد و از سوراخ بیرون خزید. ما به او
خیره شده بودیم و می‌دانستیم چیز
نویی در انتظار ماست. آتش توپخانه
اندکی آرام گرفته بود و ما از بیرون،
از راهروی بین سنگرها صدای آدم‌ها،
صدای پاهای زیادی که چکه پوشیده
بودند و به زمین خوردن شباهن بیل‌ها
را می‌شنیدیم.
ولف پس از یک ربع ساعت
بازگشت.

پرسیدیم: "چه خبر است؟"
گفت: "حمله خواهیم کرد!"
به خود لرزیدیم.
صدای برنده‌ای بعد از چند
دقیقه از بالا آمد: "یا الله، همه
بیا بیرون!"

در کنار من، صاحب چهره
بچگانه‌ای که می‌لرزید، گفت:
"حالا دیگر درست و حسابی راه
می‌افتد. فکر می‌کردم تمام شد...
خدا می‌ماند!"

دستش را گرفتم. تمام بدنش
مثل اینکه در سرما باشد می‌لرزید.

در کنار هم از سوراخ بیرون
رفتیم. چه منظره دهشتناکی! چند کشته
درست در جلوی مدخل سنگر ما بودند.
گاز و خمپاره، کشته بودشان. در
چاله‌ها خون جمع شده بود.

کرنه برگشت و خواست دوباره به
درون سوراخ بخزد.

ستوانی فریاد کشید: "ایست!"
در همه جای سنگر سربازان به
دیواره‌ها چسبیده بودند. به ما فرمان
دادند همین کار را بکنیم تا هنگام
رسیدن دستور حمله آماده باشیم.

آغاز شد. مثل یک توفان سهمگین. در
جلو و عقب ما خمپاره‌ها منفجر
می‌شدند. جنازه‌ها با تکه‌های سنگ و
خاک به هوا پرتاب می‌شدند. ارتفاعی
که سربازان در پرواز می‌گرفتند،
وحشتناک بود. در هوای دودآلود، به
پرنده‌گانی می‌مانستند که بال‌های خود
را باز کنند و بینندند.

بعد از ظهر شد. سپس شب آمد. تا
بیشترین عمقی که می‌توانستیم، در
کثافت فرو رفتیم و منتظر شدیم. از
فرط صداهای انفجار حرف هم را
نمی‌شنیدیم. شعله‌ها زبانه می‌کشید
صغیرها طلین می‌افکند، پشت ما،
جلوی ما، بالای سر ما.

گاه اینجا و آنجا یکی فریاد
می‌کشید. با پیکری لرزان سر
برمی‌گردانیدیم و سربازانی را
می‌دیدیم که از درد به خود
می‌پیچیدند.
روز فرارسید.

سعی کردم از حالت قوز کرده
بیرون بیایم، اما بناچار دوباره
سربایین آوردم. یک مین زوزه کشید و
به درون سنگر ما افتاد. به نظر آمد که
کلام کنده شد. ابری از کثافت به
هوا برخاست فریاد وحشتناک یک نفر
به گوش رسید. فقط اعضای بدن را
می‌دیدیم که در گرد و خاک به چشم
می‌خورد. و خون...
سرباز جوان کنار من بانگ زد:
"خدا می‌ماند!" و پاهای مرا با چنگ
خود گرفت:

"این چه بود!"

با اینکه از ترس دندان‌هایم به
هم می‌خورد، سعی کردم آرامش کنم.
مین دومی آمد. پسرک فریاد
کشید و خود را به من فشرده. نیروی
وحشتناکی که به ما وارد شد، پرتابمان
کرد. پسرک آنچنان محکم به من
چسبیده بود که نمی‌توانستم خود را از
دست او رها سازم. به چشمانش که به
من خیره شده بودند نگریستم: "این چه
بود!"

با خود او را به جای دیگری
کشاندم، چون زوزه مین سومی به گوش
رسید. بالاتر از سنگر به زمین خوردم.
خود را به زمین می‌فشردم و نفس‌ها را
حبس کرده بودیم... دلتک! صدای
تکه آهنی بود که درست در کنار من به
زمین خورد. پسرک در آغوش من ناله
کرد: "هآآآ!" چیز مرطوبی به دستم
خورده. نگاه کردم. خون بود به پیکری
که دائما بر روی دست‌ان بیشتر سنگینی
می‌کرد نگریستم. جمجمه‌اش شکافته
بود. خود را از چنگالش بیرون کشیدم
و مالا مال از وحشت در سنگر دویدم.
در کنارم یک چاه جوشان از خاک به
هوا برخاست و صدای انفجار طلین

افکند. جستم و باز هم دویدم. یک مین
دیگر. به داخل یک گروه نالان پرتاب
شدم. کشته‌ها و زخمی‌ها. با داستانم
خاک را می‌کندم. بوم! بوم! بوم!
بوم! یک مین پس از دیگری.
"گاز!"

دستم به سوی ماسک گاز رفت.
فریاد کشیدم: "گمش کرده‌ام!"
"گاز!"

صدای بی‌بی به گوش رسید، و باز
فریادهایی: "گاز!"
از یک جنازه ماسک گازی
برداشتیم و جلوی صورتم گرفتیم. بوم!
بوم! بوم! خمپاره‌ها و مین‌ها.

یک نفر مرا صدا کرد: "آماده
شو!" صدایش در همه خمپاره‌ها
گم شد.

"بروید بیرون، حمله می‌کنیم!"
به یک تکه خاک چسبیده بودم.
سرجوخه ولف بود که می‌گفت: "بیا،
اینجا دخلت را می‌آورند!" فریاد
می‌کشید. خود را کنار من انداخت و
فریاد کشید: "بیا، اینجا هیچ کس
زنده نمی‌ماند!" مرا از سوراخ بیرون
کشید.

سربازان از سنگر بیرون
می‌آمدند. زمین از برخورد خمپاره‌ها
می‌لرزید. دیوانه‌وار دنبال پناه
بودیم و در وسط آتشی که به سویمان
روان بود، این سوآن سومی دویدیم.
هرجا نگاه می‌کردم، پراز
کشته‌ها و افراد در حال احتضار بود.
سیم خاردار که ۵۰ متر عرض داشت،
مملو از سربازان مرده و یا فریادگشان
بود.

هرجا قدم می‌گذاشتم، خون بود.
دورادور من، بیابانی شخم‌زده و
وحشتناک بود که در آن دست‌های
انسان‌ها رویه آسمان بلند می‌شد: "رحم
کن!"

یک سرباز بسیار جوان فرانسوی
به زبان فرانسه تضرع می‌کرد:
"خدا می‌ماند! خدا می‌ماند!"

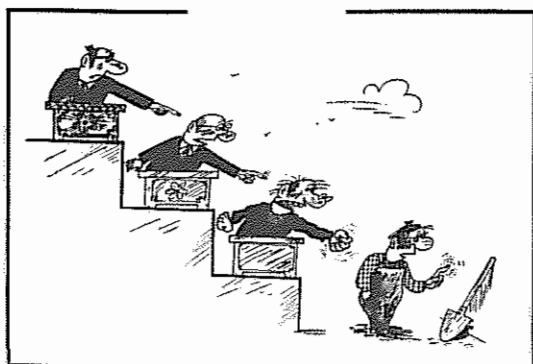
هر دو پایش قطع شده بود
فریادی طلین افکند: "مادرا!"
چه محصول دهشتناکی.

برای چه؟
یادم آمد که کشیش نظامی موقع
اعزام ما گفته بود: "از سلاحتان در
راه خدا بهره گیرید!"...

وقتی در میان سربازان زخمی و
گرسنه در بیمارستان صحرایی خوابیده
بودم، روزنامه‌ای به دستم رسید.

نوشته بود: "ایمان
تزلزل‌ناپذیر لشکریان دلاور ما بار
دیگر پیروزی درخشانی نصیب آنها
ساخت!"

خدا می‌ماند در وردن بر روی سیم
خاردار جان داد.



روزنامه نگاری اسلامی

جالب را جمع آوری کنید، حلال هم هست و درج آنها هم مسأله ای نیست. علمای ما خودشان هم فکاهی داشتند. اسلام فرموده که یک قسمت از وقت خود در لذت های غیر حرام صرف کنید. به خودت باید لذت بدهی، لذت های غیر حرام. این کار لازم است تا بتوانی برنامه های دیگر خود را جبران کنی. خوب این گونه مطالب را هم بنویسید.

(روزنامه رسالت - ۲۰ آبان)

از افاضات آخوند حائری شیرازی در مورد روزنامه نگاری:
"دربار تهران یک چلوکبابی بود که هیچ چیز نداشت، تنها یک بالاخانه داشت، اما طی نیم ساعت یک ذره از غذایش هم باقی نمی ماند. شما نگاه کنید که روزنامه شما، آن چیزهایی که به مردم می دهد غذائیت داشته باشد، خوب مردم می فهمند که چه چیز غذائیت دارد و چه چیز ندارد. چیزهای جالب و فکاهی های

گوشه هایی از «معاد»

نوشته آیت الله دستغیب

ای گمراهان از طریق حق... هرآینه خورندگان از درختی که از زقوم خواهد بود، پس پرکنندگان شکم هایتان از زقوم بواسطه شدت گرسنگی، آشامندگان باشید بر بالای آنچه از زقوم خوردید از آبی در نهایت گرمی. در خمر است که عذاب گرسنگی را به دوزخیان مسلط می کنند تا به شایع شکمهای خود را از زقوم پیراژند. پس از آن تشنگی را چنان بر آنها چیره می کنند و حمیم را برایشان عرضه می سازند که بسیار از آن می آشامند. به قسی گرم است که اندرون آنها را ریزه ریزه می کند و مرویست اگر قطره ای از آن بر کوه های دنیا پریزند آنها را متلاشی می سازد.

رابطه بهشتیان و جهنمیان: "پس از استقرار بهشتیان در بهشت و دوزخیان در جهنم، روزنه هایی بین دوزخ و بهشت باز می شود... بهشتیان دوزخیان را ندا کنند و گویند آنچه را که پروردگارمان به ما وعده داده است از ثواب ما به تحقیق یافتیم آیا شما هم آنچه را که پروردگارتان وعده داده از عذاب ما نیز یافتید گویند بلی رسیدیم به آن عذاب ها... مؤمنین از کفار می خندند و آن ها را مورد استهزا و مسخره قرار می دهند."

لیله هزائیل: "ابراهیم تقاضا کرد که هیئت عزرائیل را هنگام قبض روح کافر ببینند. عرض کرد که طاقت ندارند. فرمود میل دارم ببینم. عزرائیل خودش راه آن هیئت نشان داد و ابراهیم دید صورت مردیست سیاه رنگ که سواهی پدش ایستاده، پدپو، لباس سیاه پوشیده، از دهمان و پینی او شراره آتش و دود خارج می شود. ابراهیم غش کرد. پس از به حال آمدن فرمود اگر کافر هیچ عذاب نداشت باشد پس است عذابش در دیدن تو." صفحه ۱۱.

خوردنی ها و آشامدنی های بهشت:
"گوشت مرغ از آنچه میل داشته باشند در بهشت موجود است و میوه از هر نوعی که اختیار کنند... در بهشت است چوبهائیکه از آب خالص که دگرگونی ندارد و جویهایی از شیر است که مزه آن تغییر نکرده و جویهایی که از شراب ناب که موجب لذت و فرح خورندگان است (یعنی مثل شراب دنیوی که متعفن و مضر و بیهوش کننده می باشد نیست بلکه خوشبو و گوارا و بی ضرر و زیادکننده هوش و پاک کننده است) و فیض جویهایی از عسل خالص از جمیع فضولات می باشد."

صفحه ۱۲۷ و ۱۲۸

خوردنی ها و آشامدنی های جهنم: شما

مارکسیسم خطرناک و مارکسیسم بی خطر

حکم چنین است:
حزب کمونیست آلمان اصول بنیادی قانون اساسی را رد می کند، چرا که به شکل پیگیرانه ای به مارکسیسم - لنینیسم و هدف غایی آن، که همانا تشکیل جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است، پایبند است. این حزب به تئوری مارکسیستی - لنینیستی، نه به مثابه یک نظریه علمی، بلکه به مثابه راهنمای عمل انقلابی می نگرد. این حزب می خواهد از طریق انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، به هدف نهایی خود دست یابد. پایبندی این حزب به هدف برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، باور ویژه ای با نظام دمکراتیک و آزادخواهانه در تضاد است.

آری اگر مارکسیسم - لنینیسم در حد یک تئوری باقی بماند و هدف انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا را در برابر خود نگذارد، قضای سرمایه داری، حاضرند آن را مفتخر به عنوان "تئوری علمی" سازند و به اشاعه آن قانونیت بخشند. اما وای به روزی که این تئوری علمی به راهنمای عمل انقلابی تبدیل شود.

بورژوازی اکنون هر "مارکسیسمی" را خطرناک نمی داند. دیر زمانی است که بورژوازی از "مارکسیسم قانونی" در برابر "مارکسیسم قانون شکن"، از مارکسیسم به مثابه یک تئوری تفسیر کننده جهان، در برابر مارکسیسم تغییر دهنده جهان، و از مارکس محقق در برابر مارکس انقلابی و سازمانگر اقدام انقلابی دفاع می کند، و برای مارکسیسم دانشگاهی تربیون وعده و خطابه و برای مارکسیسم انقلابی ممنوعیت و زندان و اعدام، تدارک می بیند.

به یک نمونه تاریخی که ماه گذشته سالگرد آن بود، اشاره کنیم. در تاریخ ۲۲ نوامبر سال ۱۹۵۱ دولت آلمان فدرال از دیوان عالی این کشور تقاضا کرد که حزب کمونیست آلمان (ک.ا.پ.د.) ممنوع اعلام شود. بالاخره حقوق دانان سرمایه در سال ۱۹۵۶ حکم بر ممنوعیت این حزب دادند و فعالیت حزب کمونیست آلمان به مدت ۱۲ سال منع "قانونی" یافت. حکم دیوان عالی آلمان فدرال، مبنی بر ممنوعیت حزب کمونیست آلمان نشان می دهد که بورژوازی، کدام "مارکسیسم" را دشمن خود می داند.

شرایط فراهم نبود!

نداده، اثر بزرگ نگاشته شود. نویسنده ما با خود گفت و باید نخست شرایط مطلوب را فراهم کرد. من به یک خانه ویلایی احتیاج دارم، جایی دنج و راحت که در آن بدون هرگونه مزاحمت بتوانم اثر بزرگم را خلق کنم. پولدار و پولدارتر شدم.

ویلا را هم خرید. اتاق بزرگ آراسته ای را که پنجره آن چشم انداز بسیار زیبایی داشت، به عنوان اتاق کار برگزید، و در آن یک میز تحریر عالی با صندلی راحت چرخان و قفسه های مملو از کتاب مستقر کرد و اعلاترین قلم و کاغذ را برای نوشتن اثر بزرگ تدارک دید. حال شرایط از هر نظر مهیا بود. نویسنده مایست میز نشست و خواست اثر بزرگش را بیافریند. اما به ناگهان مگس سحی آرامش اتاق کار را برهم زد. نویسنده ما بالاخره پس از کمی بازی با قلم و کاغذ، آنها را یکسواد و با تاسف به خود گفت: اگر مگسها نبودند، اثر بزرگی می آفریدم و به عنوان نویسنده ای بزرگ، شهرتی عالمگیر می یافتم. فقط کاش این مگسها نبودند!

این فشرده یک داستان طنز آمیز از عزیزنشین است: طرف معتقد بود که استعداد نویسندگی دارد. در دوران دبیرستان خواست دست به قلم ببرد. پس از کمی ور رفتن با قلم و کاغذ به این نتیجه رسید که شرایط فراهم نیست و برای نوشتن یک اثر عالی، به قلم و کاغذ اعلا نیاز دارد. بالاخره قلم و کاغذ فراهم شد، اما مگر بدون میز تحریر کسی نویسنده از کار درمی آید؟ زمانی که دانشجو شد، به یک میز تحریر دست یافت. خواست این بار اثر بزرگش را بر روی کاغذ بیاورد، اما باز هم نتوانست. شرایط فراهم نبود! در اتاق کوچکی که سروصدای کوچه در آن می پیچید، نمی توان اثر بزرگی آفرید. بالاخره کاره ای شد و در خانه راحتی مستقر گردید. اما باز هم نویسنده ما به دلیل فراهم نبودن شرایط نتوانست، اثر بزرگش را بیافریند. بدون آرامش نمی توان اثر بزرگی خلق کرد و آرامش را باید در آغوش خانواده جست. ازدواج کرد و صاحب خانواده شد. اما این بار صدای گریه بچه اجازه

توسل به بی قانونی

نوشته الکساندر زولت

ترجمه از "عصر جدید"، شماره ۴۸ سال ۱۹۸۷

فلسطین:

تراژدی چهل ساله

مناطق اشغال شده فلسطین، به ویژه نوار غزه، طی دو هفته گذشته شاهد گسترش بیسابقه مبارزات مردم با اشغالگران صهیونیست بود. قیام در غزه، توجه همه جهانیان را بار دیگر به مسئله فلسطین، کانون بحران خاور نزدیک معطوف کرده است. بدین مناسبت، در این شماره مقاله‌ای با عنوان فوق را از هفته نامه شوروی "عصر جدید" که به تاریخچه و وضعیت کنونی مسئله فلسطین می‌پردازد، برگزیده‌ایم.

چهل سال پیش، در نهم اکتبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه ۱۸۱ را در باره تقسیم فلسطین که در آن زمان تحت قیمومیت بریتانیا بود، به دو دولت مستقل - یک دولت یهود و یک دولت عربی - که اتحاد اقتصادی آنها را به هم پیوند دهد، و نیز اعطای موقعیت حقوقی بین‌المللی به بیت‌المقدس، تصویب کرد.

این، یک تصمیم دشوار بود که در سال‌های دشوار پس از جنگ اتخاذ شد. با این حال، ریشه‌کن شدن فاشیسم الهام بخش خلق‌هایی بود که هنوز تحت سلطه استعماری و یا در وابستگی شبه استعماری بودند، تا به گونه‌ای فعال پسرای آزادی و حیثیت ملی خود مبارزه کنند. اعراب فلسطین نیز که پیش از جنگ با حکومت نظامی واپسته به بریتانیا مبارزه می‌کردند، بدنبال رهایی ملی بودند. اما آنها تنها با حکومت بریتانیا مبارزه نمی‌کردند. اعراب خود را از سوی این واقعیت که با توافق ضمنی بریتانیا (اعلامیه ۱۹۱۷ بالفور) عرصه برای اجرای نقشه قدیمی صهیونیستی - برای ایجاد یک دولت صرفاً یهودی در فلسطین به مثابه بخشی از حق تعیین سرنوشت یهودیان در "میهن تاریخی" خود، کاملاً گشوده بود، مورد تهدید می‌دیدند. فلسطینی‌ها در طرح گردآوری یهودیانی که در طول تقریباً دو هزار سال در سراسر جهان پراکنده شده بودند، در سرزمین فلسطین، نوعی به مبارزه طلبیدن می‌دیدند. انگیزه دیگری که باعث رشد آگاهی ملی و عزم فلسطینی‌ها به دفاع از خود شد، شیوه‌های خشن صهیونیست‌ها در تدارک "جای گرم و نرمی" در فلسطین برای پذیرش شمار بازهم بیشتری از مهاجرین بود.

آغازی سخت

در همان زمان، جامعه جهانی نمی‌توانست جنایات نازی‌ها علیه مردم یهود در اروپا را نادیده بگیرد. بسیاری از یهودیانی که از ماشین مرگ هیتلر جان سالم به در برده بودند می‌خواستند از وحشتی که از سرگردانده بودند، بگریزند. موسسات معین صهیونیست، از این امر بهره گرفته، برنامه‌هایی برای انتقال مهاجران جدید به فلسطین سازمان دادند. به این مهاجرین در حین سفر به "میهن تاریخی" خود، این تصور القا می‌شد که برای ایجاد دولت خود در فلسطین، جایی که بتوانند در امنیت زندگی کنند، غصب زمین از اعراب بومی ضرورت دارد. تا ۱۹۴۷، اعراب سه چهارم جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دادند. سه دهه پیش از آن هنگامی که بریتانیا وعده کمک به ایجاد یک سرزمین

ملی یهودی در منطقه را داد، بیش از ۹۰ درصد جمعیت، عرب بودند. از قضا بریتانیایی‌ها به اکثریت عرب نیز قول داده بودند که منطقه تحت قیمومیت خود را به یک دولت عربی تبدیل خواهند کرد.

وقتی قطعنامه ۱۸۱ تصویب شد، فلسطین عملاً غیرقابل کنترل شده بود - واحدهای مسلح از هر دو سو عمل می‌کردند، و اقدامات خشنوت آمیز انجام می‌گرفت. بریتانیا، در برابر تناقضات "وعده‌های درگانه" به اعراب و یهودیان، اعلام کرد که از قیمومیت اعطایی از سوی جامعه ملل - چشمپوشی می‌کند.

بنابراین تصمیم گیری در باره سرنوشت فلسطین بر عهده سازمان ملل قرار گرفت. سازمان ملل دو راه ممکن را بررسی کرد: یا یک دولت واحد با جمعیتی از دو ملیت، و یا شکل‌گیری دو کشور مستقل بر پایه تقسیم به مناطقی با جمعیت غالباً عرب یا یهودی. هیات نمایندگی شوروی از طرح یک دولت مستقل و دموکراتیک عرب - یهودی که در آن هر دو گروه دارای حقوق برابر باشند، پشتیبانی می‌کرد. در ماه مه ۱۹۴۷، اتحاد شوروی اعلام کرد چنین راه حلی می‌تواند مبنای سالمی برای همزیستی مسالمت آمیز و همکاری میان اعراب و یهودیان در فلسطین، و برای صلح و امنیت در خاورمیانه باشد.

اما یک کمیسیون ویژه سازمان ملل به ایسن نتیجه رسید که چنین راه حلی نمی‌تواند مسئله را حل کند. زیرا رهبران صهیونیست هرگز از نقشه‌های خود برای برپایی یک دولت کاملاً یهودی‌دست نخواهند کشید. اتحاد شوروی با توجه به ایسن شرایط، خواهان تشکیل دو دولت مستقل شد زیرا راه دیگری که بتواند در عمل تحقق یابد، وجود نداشت. کشورهای عربی مخالف چنین راه حلی بودند. نمایندگان عرب در سازمان ملل آنهایی را که آماده پشتیبانی از طرح تقسیم فلسطین بودند (از جمله اتحاد شوروی را) مورد انتقاد قرار دادند. آندره گرومیکو رئیس هیات شوروی در توضیح موضع شوروی، در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ سخنانی ایراد کرد که من به آن به عنوان یک پیش‌بینی اعجاب آور می‌نگرم. وی گفت: "هیات شوروی اعتقاد راسخ دارد که در سال‌های آینده، اعراب و کشورهای عربی در موارد زیادی در انتظار کمک اتحاد شوروی به مبارزه آنها برای منافع مشروعشان، به تلاششان برای رهایی از عواقب وابستگی به خارج، به سمت مسکو خواهند نگرست."

بلافاصله پس از آنکه پرچم بریتانیا در مقر کمیسر عالی بریتانیا در فلسطین در روز ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ به زیر کشیده شد، استقلال اسرائیل - "دولتی یهود در خاک اسرائیل" - اعلام شد. اسرائیل در سرزمین‌هایی تشکیل شد که صهیونیست‌ها تا آن زمان موفق به غصب آنها شده بودند، بدون اینکه به تقسیم بندی‌های ارضی تعیین شده در قطعنامه سازمان ملل توجه شود. تاریخ تراژدی فلسطین شامل رویدادهای آن زمان مانند قتل‌عام در دهکده دیر یاسین (در نزدیکی بیت‌المقدس) در نهم آوریل ۱۹۴۸، توسط واحدهای سازمان‌های تروریستی صهیونیست به نام‌های "استرن" و "یرگون" است. پس از آن قتل‌عام، هزاران فلسطینی برای نجات جان خود خانه‌هایشان را ترک کردند. تا پایان سال ۱۹۴۹، شمار آوارگان تقریباً به هفتصد و پنجاه هزار، یعنی در حدود نیمی از جمعیت بومی فلسطین در آن زمان رسید.

در اقدامات رهبری صهیونیست‌ها، هیچ چیز تصادفی نبود. همه چیز در تطابق با احکام نظری تئودور هرتسل، بنیانگذار صهیونیسم سیاسی بود. وی در آغاز این قرن نوشت: "در فلسطین کوچک، جایی برای دو ملت نیست. تنها راه حل، می‌تواند فلسطینی بدون اعراب باشد... تنها در این صورت، کشور ما خواهد توانست میلیون‌ها تن از برادران ما را بپذیرد." هرتسل پیشنهاد کرد همه اعراب فلسطین بدون استثنا به کشورهای مجاور عربی انتقال یابند.

بدین گونه، اسرائیل بنیان نهاده شد. در بیانیه استقلال اسرائیل آمده بود که اسرائیل "گام‌های لازم" برای اجرای قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی را برداشته است. بیانیه استقلال این قطعنامه را صرفاً به رسمیت شناختن حق مردم یهود در تشکیل دولت خود توسط سازمان ملل تفسیر می‌کرد، زیرا این "حق طبیعی هر ملتی است که در کشور مستقل خود، حاکم بر سرنوشت خود باشد." اینکه قطعنامه، همین حق تشکیل دولت مستقل را به اعراب فلسطین نیز می‌داد، فوراً توسط اسرائیل به فراموشی سپرده شد.

پس از آن، رویدادهای روند زیر را طی کردند: ارتش‌های شماری از کشورهای همسایه عربی که در آن زمان اکثر رژیم‌های سلطنتی طرفدار بریتانیا بر آنها حاکم بودند، با نیروهای مسلح اسرائیل درگیر شدند، اما ناموفق ماندند. موافقت نامه آتش‌بس که در سال ۱۹۴۹ به امضا رسید، موجودیت علی‌اسرائیل را در چارچوب مرزهای جدیدی که تقریباً ۵۰ درصد بر قلمرو آن می‌افزود و بیت‌المقدس غربی را شامل می‌شد، تثبیت کرد، اما در عین حال به موقعیت جنگ با اعراب پایان نداد. کراته غربی رود اردن، بخشی از اردن شد و نوار غزه تحت اداره مصر درآمد. در سال ۱۹۴۹، اسرائیل به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد و در برابر این واقعیت قرار گرفت که قطعنامه ۱۸۱، مشارکت فلسطینی‌ها را در نظر گرفته بود و قطعنامه ۱۹۴ (۳) به آوارگان فلسطینی حق بازگشت به خانه‌های خود

را می‌داد. این بدان معنی بود که اسرائیلی‌ها بایست حق اعراب فلسطینی برای تشکیل دولت خود را به رسمیت می‌شناخت.

آنچه این دوره را بسیار مهم می‌کند، این دعای صهیونیست‌هاست که اعراب تنها باید خود را سرزنش کنند، زیرا فرصت خود برای حل مسئله فلسطین را با زیاده‌خواهی، عدم انعطاف و عدم آمادگی پذیرش ایجاد اسرائیل، از دست دادند. اغلب این ادعاها، پوچ است، اما اقدامات حکام عرب در آن زمان به میزان معینی همراه با کوتاه نظری، خودخواهی و عدم توانایی اتخاذ مشترک تصمیمات مهم بود. این همه، بر رنجهای فلسطینی‌ها افزود، اما این امر نمی‌تواند نافی حقوق قانونی آنها باشد.

قطعه نامه شماره ۲۴۲

وقتی ۲۵ سال بعد، در نتیجه "جنگ ۶ روزه" ۱۹۶۷، اسرائیل همه سرزمینهای فلسطین را تصرف کرد، فلسطینی‌ها در مبارزه برای حقوق خود با شرایط نوین و بسیار سخت تری روبرو شدند. کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و بیت المقدس شرقی، همگی به اشغال ارتش اسرائیل درآمدند. علیرغم اعتراضات سازمان ملل، الحاق بیت المقدس شرقی بلافاصله رسمیت یافت. از آن پس نیز اسرائیل اراضی بیشتری به بهانه "نیازهای امنیتی" خسود غصب کرد، اسکان استعماری یهودیان را سازمان داد، اقتصاد محلی سرزمینهای اشغالی را قلع و قمع کرد و به الحاق تدریجی سرزمینهای اشغالی فلسطین پرداخت.

هیچ کس نمی‌تواند انتظار داشته باشد که فلسطینی‌ها ناظر بی‌عمل صحنه باشند. البته چنین انتظاری نادرست است. مبارزه برای عدالت در مورد فلسطینی‌ها، محور تلاشها برای دستیابی به راه حلی در خاورمیانه است، به همانگونه که حل مسئله فلسطین، کلید صلح در این منطقه است. در این مبارزه، نقش پیشاهنگ متعلق به سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) است. ساف با تکیه بر حمایت توده‌های مردم فلسطین، در هرکجا که زندگی می‌کنند، می‌کوشد اراضی اشغال شده توسط اسرائیل، یعنی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه را آزاد کند و برای فلسطینی‌ها این امکان را فراهم کند که پس از مدت‌ها از حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل خود طبق همان قطعه نامه‌های سازمان ملل که اسرائیل بر مبنای آنها شکل گرفت، برخوردار شوند.

هرگاه با دقت به رویدادها در خاورمیانه بنگریم، روشن می‌شود که چرا ساف قطعه نامه ۲۴۲ - شورای امنیت، مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ را ناکافی می‌داند. این قطعه نامه ضمن طرح خواست عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از مناطق اشغال شده در "جنگ شش روزه"، تنها به ضرورت حل عادلانه مسئله آوارگان اشاره می‌کند. قطعه نامه همچنین حق همه کشورهای منطقه مبنی بر زندگی در صلح و امنیت، و نیز ضرورت احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی آنها را خاطرنشان می‌کند. مسئله سرنوشت ملت فلسطین با توجه به شرایط ویژه آن مقطع معین، و از آنجا که مسئله اصلی، به حداقل رساندن آثار

مستقیم تجاوز ماه ژوئن اسرائیل بود، در قطعه نامه مطرح نشد.

تل آویو و برخی محافل معین غرب ادعا می‌کنند خود داری سازمان آزادیبخش فلسطین از به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل، علت مخالفت ساف با قطعه نامه ۲۴۲ است. این ادعا صحت ندارد. ساف، همانگونه که می‌توان از بیانیه‌های متعدد رهبران آن دریافت، آماده پذیرش قطعه نامه همراه با همه قطعه نامه‌های دیگری است که سازمان ملل در طول سالها در مورد مسئله فلسطین صادر کرده است. تل آویو بسیاری از این قطعه نامه‌ها را مطلوب نمی‌داند، زیرا این قطعه نامه‌ها اسرائیل را به علت عدم اجرای خواسته‌های سازمان ملل و احکام قانونی بین‌المللی محکوم می‌کنند. اما همه قطعه نامه‌ها از واقعیت پذیرفته موجودیت اسرائیل به مثابه دولتی با همه حقوق متعلق به یک دولت، و - این را باید افزود - همه وظایف آن، حرکت می‌کنند. وقتی از ساف پذیرش قطعه نامه ۲۴۲ خواسته می‌شود، تنها چیزی که ساف بر آن فشار می‌کند، این است که همزمان با این پذیرش، حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها به مثابه یک ملت نیز باید به رسمیت شناخته شود.

مدتی است که سیاست ساف در قبال حل مسئله خاورمیانه، انعطاف پذیر است و برای توافق‌های معقول جا می‌گذارد. کافی است بگوییم که رهبری ساف اکنون برخورد مثبتی به مذاکره با آن گروه‌های اجتماعی در اسرائیل که راه حلی عادلانه و صلح‌آمیز را خواهانند، می‌کند. رهبری ساف همچنین آماده مذاکره مستقیم با نمایندگان رسمی اسرائیل در چارچوب یک کنفرانس بین‌المللی درباره خاورمیانه است. اما اسرائیل کماکان مخالف هرگونه مذاکره با ساف است، و این امر بیش از هرچیز دیگر مانع تشکیل کنفرانس صلح است.

تل آویو همراه با واشنگتن مایلند به ساف بر چسب یک جنبش تروریستی بزنند تا آن را برای شرکت در روند صلح "فاقد صلاحیت" قلمداد کنند. قانونی در اسرائیل تصویب شده است که هرگونه تماس با نمایندگان ساف را جرم می‌شمارد. امسال در ایالات متحده تحت فشار محافل صهیونیستی تصمیم گرفته شد فعالیت‌های همه نمایندگان فلسطینی، از جمله نمایندگی ساف در سازمان ملل ممنوع شود (ساف در سازمان ملل موقعیت ناظر دارد و طبق یک قطعه نامه مجمع عمومی و موافقت نامه مشابهی با دبیرکل سازمان ملل، فعالیت می‌کند). تنها دشواری‌های حقوقی دست وزارت خارجه آمریکا را از نمایندگی ساف در سازمان ملل کوتاه کرد. اما به هر حال فعالیت‌های این نمایندگی غیرقانونی اعلام شد.

جنبش مقاومت فلسطین، به استفاده از نیروی نظامی و حملات مسلحانه توسل می‌جوید. اما این امر در اصول مغایر با معیارهای حقوق بین‌المللی نیست قوانین بین‌المللی توسل به قهر را هنگامی که مبارزه علیه سرکوب، اشغال خارجی، تبعیض نژادی و یا دیکتاتوری فاحش مطرح باشد، مجاز می‌شمارد. لازم به یاد آوری است که بسیاری از اسرائیلی‌ها، از جمله برخی رهبران سیاسی کاملاً مشهور، خود در

اقدامات تروریستی علیه حکومت نظامی بریتانیا در فلسطین، هنگامی که برای برپایی یک دولت اسرائیلی می‌جنگیدند، شرکت داشتند.

در محکومیت تروریسم

اقدامات تروریستی‌ای که در گذشته گروه‌های جداگانه فلسطینی انجام دادند، به ساف و منافع کل ملت فلسطین بیش از آنکه خدمت کند لطمه زد. اسرائیل از این اقدامات برای توجیه تروریسم دولتی خود و گسترش آن و نیز به مثابه پوششی برای "دفاع قانونی از خود" بهره گرفت. بعنوان نمونه، به تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ می‌نگریم: این تجاوز تحت عنوان عملیات "صلح برای جلیله" آغاز شد، با این ادعا که هدف، حفظ منطقه شمال اسرائیل در برابر حملات فلسطینی‌هاست. در نتیجه، هزاران تن از مردم فلسطینی و لبنانی جان خود را از دست دادند. قتل عام خونین در اردوگاه‌های صبرا و شتیل با مشارکت اسرائیلی‌ها انجام گرفت. آنها همچنین صدها فلسطینی را در اردوگاه‌ها به اسارت گرفتند.

طی چند سال گذشته ساف مکرراً اعلام کرده است که تنها عملیات در داخل خود اسرائیل و یادر مناطق عربی تحت اشغال اسرائیل را قانونی می‌داند. یاسر عرفات رهبر ساف دو سال پیش در یک سخنرانی در قاهره اعلام کرد که هرگونه نقض حقوق بشر، از جمله حق زندگی و امنیت را، همانگونه که همه اقدامات تروریستی دولتها، افراد یا گروه‌ها علیه غیر نظامیان بیگناه و غیر مسلح را مذموم می‌شمارد محکوم می‌کند. این امر همچنین به وضوح در بیانیه مشترک صادره در پایان دیدار ژوئن ۱۹۸۷ یکسک هیات کمیته اجرایی ساف به ریاست فاروق قدوسی از مسکو، آمده است. این بیانیه خاطرنشان می‌کند که ا.ج.ش.س و ساف اقدامات تروریستی افراد، گروه‌ها یا دولتها را شدیداً محکوم می‌کنند و خواهان همکاری بین‌المللی برای ریشه‌کن کردن تروریسم از طرق قانونی‌اند.

مسئله تروریسم نه تنها به حیثیت ساف، بلکه همچنین بطور مستقیم به مسئله دستیابی به یک راه حل همه جانبه در خاورمیانه مربوط می‌شود. اسرائیل هرآنچه در توان دارد انجام می‌دهد تا مقاومت فلسطین را مجموعه‌ای رنگارنگ از اشراکی که تا محو اسرائیل از نقشه خاورمیانه، از پای نخواهند نشست معرفی کند. استدلال اسرائیل این است که ساف از شعار ادامه مبارزه تا آزادی سراسر فلسطین دست نکشیده است، و بنا براین هر نوع تضعیف کنترل اسرائیل بر مناطق اشغال شده فلسطینی، به سود ساف است، تا چه رسد به عقب‌نشینی نیروها، که خطری حیاتی متوجه امنیت و حتی موجودیت اسرائیل خواهد کرد. نتیجه‌گیری اسرائیل از این امر این است که شکست ساف، و بطور کلی جنبش مقاومت فلسطین، شرطی ضروری برای هرگونه راه حل است، راه حلی که تا حد معینی، منافع روزمره آن دسته از فلسطینی‌های خاموشی را که آماده زندگی در یک تحت الحما به اسرائیلند، در نظر بگیرد. بقیه در صفحه بعد

فلسطین: تراژدی چهل ساله

بقیه از صفحه قبل

اما این مناطق یک رشته عوامل سیاسی مهم را نادیده می‌گیرد. برای هرناظر کمابیش مطلع اکنون روشن است که ساف طرح همزیستی دولست آتی فلسطین با اسرائیل را پذیرفته است. ما در اتحاد شوروی می‌توانیم بگوئیم که میان ما و ساف در مورد پیشنهادهای شوروی در مورد راه حلی در خاورمیانه اختلاف اساسی وجود ندارد. این پیشنهادهای بدون ابهام بر حق همه کشورها و ملت‌های خاورمیانه، از جمله اسرائیل، در موجودیتی صلح‌آمیز و امن، تاکید می‌کند.

همچنین شایان ذکر است که رهبری ساف مدتی که طرح همزیستی فلسطین و اسرائیل برپایه تحقیق حق فلسطینی‌ها و یهودی‌ها در تعیین سرنوشت ملی خود را پذیرفته است. چهل سال است که اسرائیل به مثابه یک دولت وجود دارد. امروز اسرائیل مناطقی را در اشغال دارد که فلسطینی‌ها می‌توانند دولت ملی خود را در آن بنا کنند. باید اذعان کرد که در میان توده‌های فلسطینی، به ویژه در میان آنهایی که در اردوگاه‌های آوارگان در کشورهای مختلف عرب زندگی میکنند، بسیاری هنوز انتظار تحقق شعارهای دیرینی را می‌کشند که زمانی بخشی از منشور ساف (منشور ملی) بود، شعارهایی مبنی بر آزادی فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه. این امر قابل درک است، زیرا آوارگان اغلب صاحبان قبلی (ویا وارثان) آن‌بخشهایی از فلسطین اند که دولت اسرائیل در آنها شکل گرفت. اگر آنها موجودیت اسرائیل را به مثابه عمل انجسام شده بپذیرند، این به معنای پایان هرامیدی به بازگشت به خانه‌هایشان خواهد بود، حتی کسه قطعه‌نامه‌های سازمان ملل به رسمیت شناخته است. از این رو بود که برای دوازدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین (پارلمان فلسطین) در سال ۱۹۷۴ پذیرش تصمیم برقراری "قدرت ملی فلسطینی" در هر منطقه‌ای که از اشغال اسرائیل آزاد شود، آسان نبود، زیرا این امر در عمل به معنای به رسمیت شناختن موجودیت یک دولت اسرائیلی و یک دولت فلسطینی به موازات هم است.

چه کسی می‌تواند تصمیمات دشوار را اتخاذ کند؟

مسئله حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها فوق‌العاده مهم است، زیرا اسرائیل و ایالات متحده می‌کوشند مخالفت خود را با این حق فلسطینی‌ها بدینگونه توضیح دهند که این حق مترادف با حق آنها در تشکیل یک دولت مستقل است. تل‌آویو و واشنگتن هر دو مخالف هرگونه امکان دستیابی فلسطینی‌ها به یک دولت مستقلند. . . از طریق تشکیل دولتی فلسطینی است که مسئله سرنوشت ملی هم برای ساکنان مناطقی اشغالی - کرانه غربی رود اردن و نوار غزه - و هم آندسته از فلسطینی‌هایی که به خارج از کشور خود رانده شده‌اند، می‌تواند حل شود. فلسطینی‌ها با اینکه در کشورهای عربی زندگی می‌کنند (اگر بتوانیم

زندگی در یک اردوگاه آوارگان را زندگی بنامیم)، با مردم عرب در نیامخته و شدیداً نیاز به تعلق به کشور خود را احساس می‌کنند. باید واقعیت را در نظر گرفت: این مردم دیگر امکانی برای تحقق خود در بازگشت به خانه‌های قدیمی خود، مثلاً در یافا و حیفا ندارند (زمانی تل‌آویو تنها شهرکی در حومه یافا بود. طبق قطعنامه ۱۸۱، یافا می‌بایست یک منطقه عربی محصور توسط قلمرو اسرائیل باشد). این مردم همچنین به آسانی نخواهند توانست در کرانه غربی رود اردن - تاچه رسد به کرانه غزه که جمعیتی بیش از ظرفیت خود دارد - اسکان یابند، حتی وقتی این مناطق به بخشی از یک دولت فلسطینی تبدیل شوند. علت این امر، این است که شمار این مردم به صدها هزار می‌رسد، و این بسیار بیش از امکانات محدود مناطق فلسطینی مزبور است. بنابراین تقریباً غیرممکن است که دولت آتی فلسطینی به - اگر بخواهیم از اصطلاحات اسرائیلی‌ها استفاده کنیم - مکانی تبدیل شود که در آن فلسطینی‌ها از اماکن پراکنده فعلی خود در خارج در آن گردهم آیند. بنابراین تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در عمل به انتقال توده‌های فلسطینی‌ها خواهد انجامید، بلکه در وهله اول به همه آنها امکان خواهد داد شهروند آن دولت شوند، و از این طریق امکان یابند به گونه‌ای درست و متدئانه تصمیم خود را درباره محل اقامت خود بگیرند. . .

یک نکته مهم دیگر هم وجود دارد. زمانی که فلسطینی‌ها به حق قانونی تشکیل دولتی مستقل دست یابند، ممکن است ترجیح دهند به گونه‌ای دیگر به این حق تعیین سرنوشت جامعه عمل بپوشانند. فلسطینی‌ها دارای پیوندهای ویژه‌ای با اردنند. آنها در اردن بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. بنابراین کاملاً ممکن است که فلسطینی‌ها تشکیل یک فدراسیون یا کنفدراسیون فلسطینی - اردنی را برگزینند. در حال حاضر بسیار در باره این راه حل سخن می‌گویند، و در باره آن در اسرائیل و در غرب بحث می‌کنند، اما اغلب مسئله را بدین طریق مطرح می‌کنند. اردن در ترکیب جمعیت خود تقریباً یک دولت فلسطینی است، و فلسطینی‌ها، مثلاً فلسطینی‌های کرانه غربی، می‌توانند به این یا آن شکل در راه حلی که ملک حسین پادشاه اردن برسر آن در مذاکرات مستقیم با اسرائیل به توافق خواهد رسید، به اردن بپیوندند. برخی نمایندگان فلسطینی می‌توانند در چنین مذاکراتی شرکت داده شوند، به شرطی که علناً از ساف حمایت نکنند. این مکانیزمی است که "طرح ریگان" برای خاورمیانه که پنج سال پیش مطرح شد، در نظر گرفته است. فلسطینی‌ها - و نه تنها رهبری ساف، بلکه توده‌های فلسطینی - با چنین الگوهایی به شدت مخالفند، روشن است که تصمیمات دشوار و توافقی‌های دردناک را تنها رهبران نیرومند می‌توانند تحقق بخشند، رهبرانی که سازش ناپذیری آنها زیان‌زد باشد. تنها آنها هستند که می‌توانند توده‌ها را در مورد ضرورت سازش توجیه کنند. . .

هیچ کس به جز این سازمان که تنها نماینده قانونی و مورد پذیرش عمومی مردم فلسطین است،

قادر به انجام وظیفه دشوار موافقت با فرمولی برای راه حلی که بطور اجتناب ناپذیر، حاوی چشمپوشی از بسیاری از آن چیزهایی که میلیون‌ها فلسطینی از آن خود می‌دانند، خواهد بود، نیست. آیا ساف به اندازه کافی نیرومند هست که بتواند به لحاظ سیاسی شجاعانه عمل کند و از موقعیت، ارزیابی واقع بینانه داشته باشد؟

آیا بار مسئولیت تاریخی، این سازمان را در هم خواهد شکست؟ این سئوالات کاملاً موجه هستند، به خصوص اگر در نظر گیریم که اسرائیل هرآنچه در توان داشته انجام داده است تا کمر جنبش مقاومت فلسطین را بشکند (نمونه تجاوز به لبنان) و ساف را از رهبران خود محروم کند (نمونه حمله هوایی راهزنان به مقر ساف در تونس). جنبش فلسطین دوره‌هایی واقعا سخت را از سرگذرانده است. کار حتی به شکاف در صفوف آن و دشواری جدی در روابط ساف با تعدادی از کشورهای عربی، به ویژه سوریه کشید، و این در حالی است که بدون همکاری نزدیک با سوریه، مبارزه فلسطینی‌ها امکان اندکی برای موفق شدن دارد. این موقعیت ضعف و پراکندگی اکنون رو به برطرف شدن است. گواهی بر این امر، اجلاس موفقیت آمیز احیای وحدت، اجلاس هجدهم شورای ملی فلسطین در الجزایر در آوریل گذشته است. در حمایت توده خلش فلسطین از ساف خللی وارد نشده است. مردم محروم فلسطین تنها به این سازمان، تنها نماینده قانونی خود، اختیار شرکت در مذاکرات صلح در چارچوب یک کنفرانس بین‌المللی خاورمیانه را می‌دهند. و تنها شرکت ساف در چنین کنفرانسی می‌تواند به پذیرش تصمیماتی در باره مسئله فلسطین بی‌انجامد که برای فلسطینی‌ها قابل درک و پذیرش باشد. •

قیام در نوار غزه

بقیه از صفحه اول

در کرانه غربی رود اردن نیز تظاهرات انجام گرفت. در اردوگاهی در نزدیکی نابلس مقرات منع عبور و مرور برقرار شد. رام‌الله واقع در کرانه غربی رود اردن نظیر نوار غزه شاهد ساختن سنگر از سوی مردم بود.

در روز سه‌شنبه ۱۵ دسامبر، نیروهای ارتش اسرائیل به یک بیمارستان در غزه که مردم در آن پناه گرفته بودند حمله‌ور شدند و در این حمله خشونت بی‌سابقه‌ای از خود نشان دادند. ارتش اسرائیل در واکنش نسبت به گسترش جنبش در غزه، نیروهای اضافی به این منطقه گسیل داشت. در روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر، نیروهای صهیونیست برای سرکوب مردم از تانک استفاده کردند.

اتحادیه عرب برای بررسی وقایع اخیر در نوار غزه در تونس اجلاس فوق‌العاده‌ای تشکیل داد. شانزلی قلبی دبیر کل اتحادیه عرب از سازمان ملل متحد خواست جلوی عملیات سرکوبگرانه اشغالگران را بگیرد. •

گزارش مطبوعات ترکیه در مورد

شکنجه کوتلو و سارگین

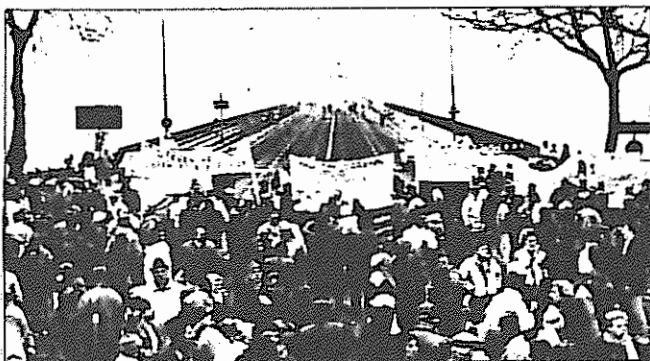
مطبوعات چاپ ترکیه برای نخستین بار گزارش هایی درباره شکنجه حیدر کوتلو و نیهای سارگین رهبران حزب متحد کمونیست این کشور در مقرر مرکزی پلیس در آنکارا به چاپ رساندند. در این گزارشها به نامه های اعتراضی کوتلو و سارگین به دادستانی استناد شده است. کوتلو و سارگین در نامه های خود خواهان مجازات عوامل شکنجه شدند.

بنا به گزارشهای مزبور، حیدر کوتلو دبیر کل حزب کمونیست ترکیه به مدت ۱۰ روز با چشمان و دستهای بسته روی یک صندلی نشاندۀ شده بود. شکنجه گران مانع خواب او شده، آب سرد را با فشار زیاد به روی او می گرفتند و به کوتلو شوک الکتریکی وارد می کردند. موارد مشابهی نیز در نامه سارگین ذکر شده است. کوتلو و سارگین خبر از تزییق داروهای شیمیایی به آنها برای شکستن اراده شان داده اند.

اعتصاب در یونان

در روز سه شنبه ۱۵ دسامبر، ۱/۵ میلیون زحمتکش یونانی در اعتراض به ادامه سیاست انتقال بار بحران به دوش خود دست به یکا اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. دعوت به اعتصاب از سوی اتحادیه سندیکا های یونان انجام گرفته بود. این اتحادیه خواهان ۱۶ درصد افزایش دستمزدها به ازای تورم شدید سالهای گذشته است.

در اعتصاب سه شنبه گذشته، کارخانجات، مدارس، ادارات و بانکها دست از کار کشیدند. در آتن نزدیک به ۴۰ هزار نفر در تظاهراتی به سیاست راست گرایانه دولت پاپاندروا اعتراض کردند. دولت پاپاندرو در صدد است در سال ۱۹۸۸ مانع افزایش عمده دستمزدها شود. ناظران اقتصادی کاهش قدرت خرید واقعی مردم یونان ظرف دو سال گذشته را در حدود ۱۵ درصد تخمین می زنند.



دست به اعتصاب زده به مدت یک روز با ایجاد راهپندان، کل این منطقه را فلج کردند. عکس، مسدود کردن یک پل در شهر دیوسبورگ را نشان می دهد.

کنفرانس کشوری حزب کمونیست رومانی

ها را در نیمه دوم سال ۱۹۸۸ اعلام کرد. این افزایش به طور تدریجی و تا سال ۱۹۸۹ انجام گرفت. دبیرکل حزب کمونیست رومانی اظهار داشت مسئله حقوق بازنشستگی نیز بررسی خواهد شد. وی خواهان انجام همه گونه تلاش برای بازپرداخت وامهای خارجی گردید و افزود رومانی باید تا سال ۱۹۹۰ "از یک کشور سوسیالیستی رشد یافته به کشوری با رشد متوسط تبدیل شود".

چائوشسکو در رابطه با سیاست خارجی بر اهمیت امضای قرارداد محو موشکهای میان برد بین اتحاد شوروی و ایالات متحده تاکید کرد.

کره جنوبی: "انتخابات" ریاست جمهوری

به سود کاندیدای حکومتی رفت و آمد می کردند و ناظران اپوزیسیون، یک کامیون را متوقف کرده بار آن را به نمایش گذاشتند. همزمان با اعلام نتایج "انتخابات" حاکی از پیروزی روتای وو با کسب ۳۶ درصد آرا، "تظاهرات گسترده ای در سئول و سایر شهرهای کره جنوبی برگزار شد. اپوزیسیون در کره جنوبی "انتخابات" چهارشنبه را "گودای نظامی در لفافه" نامید. ناظران معتقدند با برگزاری "انتخابات" به صورت یک منحنه، کره جنوبی در انتظار روزها، هفته ها و ماههای ناآرامی است.

اعتصابات کارگری در برزیل

آن، از ماه مارس سال گذشته به ۴۸ درصد افزایش یافته است.

بر زمینه ای از تشدید بحران اقتصادی، کمیته اصلی مجلس موسان برزیل در روزیکشنبه ۱۵ نوامبر تصمیم گرفت دوره ریاست جمهوری سارنی رئیس جمهور برزیل را به چهار سال کاهش دهد. بدین ترتیب سارنی که قرار بوده مدت ۶ سال زمام امور را در دست داشته باشد، باید در ماه مارس ۱۹۸۹ پست خود را به رئیس جمهور منتخب جدید بپارد. این تصمیم نشانگر کاهش قدرت و نفوذ سارنی است.

در روز دوشنبه ۱۴ دسامبر، کنفرانس کشوری حزب کمونیست رومانی در بخارست آغاز به کار کرد. در این کنفرانس سه روز به بیش از سه هزار نماینده از سوی ۳/۷ میلیون عضو حزب شرکت کردند. نیکلای چائوشسکو دبیرکل حزب به ارائه بیانی از رشد اجتماعی - اقتصادی کشور از هنگام کنگره سیزدهم حزب پرداخت.

چائوشسکو از یک رشته نواقص جدی در اجرای برنامه اقتصادی در سال جاری انتقاد کرد. وی گفت به ویژه در بخش انرژی و نیز شاخه های ماشین سازی و به ویژه صادرات، اهداف برنامه تحقق نیافته اند. چائوشسکو افزایش ده درصدی دستمزدها

در روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر، "انتخابات" ریاست جمهوری در کره جنوبی برگزار شد. سه کاندیدای اصلی در این انتخابات شرکت داشتند: روتایوو ژنرال سابق و نامزد حزب حاکم دیکتاتوری، کیم یونگ سام نماینده جناح محافظه کار اپوزیسیون بورژوازی و کیم لای جونگ نماینده بورژوازی لیبرال اپوزیسیون بورژوازی کره جنوبی نتوانست در تعیین یک کاندیدا در برابر کاندیدای حکومتی توافق کند. "انتخابات" همراه با موجی از تقلب، تهدید و فشار از سوی رژیم نظامی انجام گرفت. به عنوان نمونه، کامیونهای حاوی "سندوقهای رای" با آرای

وزارت کار برزیل اعلام کرد در ۹ ماهه اول سال جاری، ۱۶۰۰ مورد اعتصاب کارگری در این کشور روی داده است. این رقم، ۷۰ درصد بیش از مدت مشابه سال پیش است. در این اعتصابات در حدود ۶ میلیون کارگر شرکت کرده اند.

در ماه اکتبر اعتصابات کارگری افزایش یافته اند. مرکز مطالعات آماری و اقتصادی سندیکایی در برزیل اعلام کرده است فاصله میان سطح لازم افزایش دستمزدها به تورم و سطح واقعی

اعتصاب عمومی در بنگلادش

در روز شنبه ۱۲ دسامبر، بنگلادش شاهد یک اعتصاب سراسری علیه رژیم نظامی ژنرال ارشاد بود.

این اعتصاب به درگیریهای سختی میان پلیس و مردم انجامید. اعتصاب، بخشهای وسیعی از بنگلادش را فلج کرد. در داکا پایتخت بنگلادش و در شهر کولنا، حمله مسلحانه پلیس به مسرمد به قتل سه تن انجامید. در بندر چیتاگانگ پلیس به یک تظاهرات حمله ور شد و ۱۰۰ نفر را مجروح کرد.

احزاب اپوزیسیون بنگلادش با برگزاری اعتصاب هدف وادار کردن ارشاد به کناره گیری را دنبال می کنند.

*همانگونه که در "اکثریت" شماره گذشته گزارش دادیم کارگران منطقه صنعتی "رور" در آلمان فدرال در اعتراض به نقشه انحصارات برای اخراج هزاران تن از کارگران صنایع فولادسازی،

کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه:

گامی در راه تحکیم صفوف حزب

کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه، که خبر تشکیل آن را در شماره های گذشته نشریه درج کردیم، در تاریخ کنگره های حزب ویژگی های برجسته ای - داشت که از آن جمله بود روح مبارزه جویانه حاکم بر آن، تحکیم وحدت حزب و انترناسیونالیسم عمیق حزب کمونیست فرانسه که در این کنگره مورد تاکید بخصوص قرار گرفت. به مدت ۵ روز، ۱۷۰۴ نماینده، اراده مشترک ۶۰۰ هزار کمونیست فرانسوی را در بحثی زنده، شکل دادند. در این بحث موفقیت ها و شکست ها، تجارب دیرین و شناخت های نوین، خطرات و اقدام برای رفع آنها محور بودند.

ژرژ مارش دبیر کل حزب در گزارش کمیته مرکزی به تفصیل به این موضوعات پرداخت. وی گفت حزب با استواری در موضع طبقه کارگرومبارزه طبقاتی پرولتری ایستاده است، اما در عین حال آماده همکاری گسترده با متحدان بالقوه در جامعه است. ما ریشه افزود حزب سوسیالیسم را هدف قرار داده، از مارکسیسم پیروی می کند و مخالف هرگونه تلاش برای "سوسیال دمکرات کردن" حزب

است. در عین حال دبیرکل حزب کمونیست فرانسه خواهان تشکیل "اتحاد برای چرخش" با مشارکت حزب کمونیست و همه نیروهای دمکرات فرانسه شد. مارش گفت حزب تحت شرایطی آماده است در آینده نیز اگر جنبش برای کسب اکثریتی جدید با موفقیت همراه باشد، مسئولیت شرکت در دولت را بپذیرد. وی افزود حزب باید اتحاد های موجود با سوسیالیست ها در سطح محلی را که در بسیاری نقاط وجود دارد، ادامه دهد.

دبیرکل حزب کمونیست فرانسه اظهار داشت نقشه پیروژکن عضو سابق کمیته مرکزی که از حزب اخراج شد، برای راندن حزب به سمت راست، توسط کمونیست ها افشا و نقش بر آب شد. امروز ژوکن که در کنگره ۲۵ نقش معینی داشت، دیستر در حزب فاقد هر نقشی است. هیچ یک از ۴۶۴۹ عضو کمیته های محلی که از آنها نظرخواهی شد، از نامزدی ژوکن در انتخابات ریاست جمهوری حمایت نکرده اند. حزب، متحدتر از هر زمان است و یکپارچه تر از همیشه از کاندیدای خود، آندره لاژوانی پشتیبانی می کند.

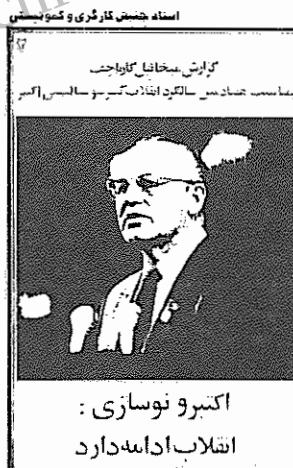
مارش در گزارش خود، قرارداد شوروی - آمریکا در باره محو سلاح های میان برد را "گامی عظیم به جلو" و "رویدادی تاریخی" خواند. وی تلاش های دولت های فرانسه و آلمان فدرال برای ایجاد "یک محور نظامی اروپایی میان پاریس و بن" و نیز گرایش مداوم محافل حاکم فرانسه به افزایش تسلیحات را شدیداً محکوم کرد. نمایندگان کنگره در سخنان خود به تشریح عواقب یورش گسترده سرمایه به حقوق کارگران و رفاه مردم فرانسه، پرداختند. یک نماینده اظهار داشت بیگاری و فقر که ابعاد هرچه گسترده تری می یابد، قربانیان این فجایع را به طور خود به خودی به سمت کمونیست ها سوق نمی دهد، بلکه مبارزه ای پیگیر در دفاع از حقوق قربانیان نظام سرمایه داری و کار مداوم روشنگرانه لازم است تا آنها از علل فلاکت خود آگاه گردند. در کنگره بارها به این امر اشاره شد که تغییرات ساختاری در طبقه کارگر به علت انقلاب علمی - فنی نیز به دشواری هایی در کار حزب می انجامد.

نمایندگان ۱۱۶ حزب برادر و سازمان های دوست خارجی در کنگره حزب کمونیست فرانسه شرکت داشتند. به دعوت حزب کمونیست فرانسه از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در کنگره شرکت کرد.

منتشر شد

از سوی انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" شماره دوم از سری کتاب های "سنا دجنش کارگری کمونیستی" منتشر شد. این کتاب "اکتبر و نوسازی: انقلاب ادامه دارد" نام دارد و گزارش رفیق میخائیل گارباف بنا به هفتاد و هشت سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را شامل می شود.

میخائیل گارباف در آغاز این گزارش خود ابراز داشت:



هفتاد سال ما را از روزهای فراموش نشدنی اکتبر ۱۹۱۷ جدا می کند. روزهایی حماسه آفرین که آغازگر عصر نوین پیشرفت اجتماعی و تاریخ راستین بودند. اکتبر - براستی "ستاره باران" بشریت و طلوع سیه دم آن بود. انقلاب اکتبر، انقلاب خلق و برای خلق، و برای انسان و برای آزادی و رشد و تکامل او بود.

توضیح:

به علت تعطیلات سال نو میلادی که رساندن به موقع نشریه به دست خوانندگان را ناممکن می کند شماره ۱۸۹ "اکثریت" در روز دوشنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۶۶ برابر با چهارم ژانویه ۱۹۸۸ انتشار خواهد یافت.

تصحیح:

متأسفانه در شماره ۱۸۷ نشریه "اکثریت" اشتباهی پدید آمد: - ادامه مقاله "دیروز و وحید گرجی را ... " از صفحه اول زیرتیر مقاله "تجارت انسان" به چاپ رسید و بالعکس.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك نشریه «کار»:	شش ماهه	یک ساله	اروپا	دیگر نقاط
☐	۱۴ مارک	۲۷	۱۶ مارک	۳۰

بهای اشتراك نشریه «اکثریت»:	سه ماهه	شش ماهه	یک ساله	اروپا	دیگر نقاط
☐	۳۳ مارک	۶۴	۱۲۵	۳۶ مارک	۷۰
☐					۱۳۸

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 188
MONDAY, 21 DEC, 87

آدرس:
Address:
RUZHEN
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTHNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید